

نقش اتحادیه آفریقا در صلح و ثبات در منطقه شاخ آفریقا با تأکید بر توسعه سیاسی

نسرین مصفا^{۱*}

حسین یوسفی قهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

چکیده

اتحادیه آفریقا بر مبنای تجارب سازمان وحدت آفریقا تشکیل شد، تا با تغییر الگوی روابط کشورهای در آفریقا از دشمنی/ رقابت به دوستی / همکاری، صلح و امنیت را در این منطقه تامین کند. اکنون دو دهه از تأسیس اتحادیه آفریقا می‌گذرد، این سازمان کارنامه‌ای از کامیابی و ناکامی از فعالیت‌های خود دارد. سیر روند فعالیت‌ها و همچنین افزایش روابط میان این اتحادیه با سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای نشان‌دهنده اراده آن برای استفاده از ابزارهای در دست جهت تامین و تثبیت صلح در قاره و از طریق آن، فراهمی روزافزون توسعه سیاسی در کشورها و مناطق فرعی آن است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی این سؤال است که نقش اتحادیه آفریقا در صلح و ثبات در منطقه شاخ آفریقا با تأکید بر توسعه سیاسی چیست؟ مرور تاریخی نشانگر آن است که شاخ آفریقا به‌عنوان یک مجموعه امنیتی درگیر الگوی روابط دشمنی بوده است. ولیکن اکنون با فعالیت‌های اتحادیه آفریقا و به‌ویژه شورای صلح و امنیت آن، زمینه ایجاد و تثبیت صلح و جلوگیری از ناامنی و رفع خشونت فراهم شده و الگوی روابط به سمت دوستی در حال تغییر است. در نتیجه آن بستر اولیه برای حمایت از انتخابات و گذار مسالمت‌آمیز قدرت در کشورهای شاخ آفریقا و پیامد آن توسعه سیاسی فراهم شده است. اتحادیه به تدریج برای نیل به مقصود از ابزارهای خود استفاده می‌کند، نمونه قابل ذکر آن، تعلیق عضویت سودان تا انتقال قدرت به غیرنظامیان در بحران آن نشان‌دهنده اراده اتحادیه برای تغییر الگو و حرکت به نیل توسعه سیاسی است. بنظر می‌رسد اتحادیه آفریقا تثبیت صلح و توسعه سیاسی را با توجه به تغییر الگوی روابط حاکم میان بازیگران در این مجموعه امنیتی پیگیری و در این زمینه با وجود چالش‌ها به موفقیت‌هایی رسیده است. در این مقاله همچنین به تجارب اتحادیه آفریقا در کنیا و سومالی برای نیل به این هدف توجه می‌شود.

واژگان کلیدی: شورای صلح و امنیت، اتحادیه آفریقا، توسعه سیاسی، مجموعه امنیتی، شاخ آفریقا

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Nmosaffa@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

مقدمه

شاخ آفریقا^۱ گرچه طی دو دهه گذشته تحولات و پیشرفت‌هایی را تجربه و اکنون به برخی از اقتصادهای در حال رشد آفریقا نزدیک و در عرصه منطقه‌ای و جهانی، با افزایش اعتمادبه‌نفس سیاسی و نظامی در حال ظهور است، اما همچنان به‌عنوان یک منطقه مملو و پیچیده از منازعات شناخته می‌شود که در آن درگیری‌ها به هم پیوند خورده و آتش بحران‌ها را شعله‌ورتر می‌کند. غالب کشورهای موجود در این منطقه از کاستی‌هایی رنج می‌برند که می‌توان آن‌ها را ذیل فقدان صلح، امنیت و توسعه جای داد. گسل‌هایی که هرکدام یکدیگر را تقویت کرده و مانعی جدی برای صلح و ثبات کشورها و توسعه منطقه‌ای است. این ناحیه راهبردی جغرافیایی، منطقه‌ای از آفریقا است که گرفتار جنگ در سومالی و سودان، درگیری‌های پنهان و آشکار میان اریتره و اتیوپی، مشکلات دوران پس از استعمار و جنگ سرد، ناپایداری سیاسی کنیا و اتیوپی و مرزهای مصنوعی و دست‌ساز دوران استعمار و پس از آن است. بنابراین با جمع‌آوری داده‌ها و نظرات کارشناسان می‌توان عوامل زیر را به‌عنوان ریشه بحران‌های کنونی شاخ آفریقا در نظر گرفت:

- اختلافات ارضی و مرزی
- عدم ثبات سیاسی
- سطح پایین توسعه و وجود بی‌عدالتی
- ساختار سستی جامعه
- سابقه استعمار
- اشتباهات حکومت‌های استعماری به علت فقدان تجربه لازم برای اداره این منطقه
- ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای

در نتیجه عوامل بالا در طول دهه‌های گذشته برخی از طولانی‌ترین جنگ‌های داخلی با تلفات زیاد و همچنین جریان عظیم پناهندگان در مرزها و خلیج عدن، شاخ آفریقا را به یکی از دارندگان بزرگ‌ترین جمعیت آواره داخلی در جهان تبدیل کرده است. این سوال مطرح می‌شود که چگونه در این منطقه با ویژگی‌های ذکر شده می‌توان مشارکت بیشتر مردم و در حقیقت توسعه سیاسی را بعنوان زیربنای توسعه پایدار ایجاد کرد؟ تصور اولیه بر این است که از طریق ایجاد دموکراسی، ثبات اقتصادی کلان و برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی پایدار،

1. Horn of Africa

مردم آفریقا می‌توانند از طریق همکاری و اتحاد ملی و جلب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی از دارایی‌های منحصربه‌فرد آفریقا که باعث توسعه محلی پایدار می‌شود، سود ببرند. زمینه‌های عمده قابل اشاره عبارتند از: حاکمیت دموکراتیک، حل منازعات و برقراری آرامش با تأکید بر حقوق بشر و تکرر نهادهای جامعه مدنی و مردمی. در نتیجه ارتقاء صلح و امنیت در آفریقا بسیار مهم است. برای این منظور آسیب‌پذیری‌های سیاسی و اجتماعی که اختلافات ریشه در آن‌ها دارند، به طور مناسب حل شود. نهادهای منطقه‌ای آفریقا برای برقراری و حفظ صلح و سازش، نیاز به توان‌بخشی، بازسازی و آموزش مهارت و تجربه دارند؛ بنابراین به طوراصولی اگر به مردم آزادی اقتصادی داده شود، روزی فرامی‌رسد که باید سایر آزادی‌های دیگر را نیز به آن‌ها اعطاء کرد: آزادی انتخاب رهبران سیاسی، آزادی بیان، و همچنین موضوعاتی از جمله امکان ارتباط با منتخبان خود برای طرح خواسته‌هایی که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر از انفجار انتظارات برآورده نشده مردم جلوگیری خواهد کرد، و به طرف حکمرانی مطلوب حرکت خواهد کرد.

با عنایت به اهمیت و نقش اتحادیه آفریقا در ترویج دموکراسی و تثبیت توسعه سیاسی در این فرایند می‌توان در باره شاخ آفریقائامل نمود. در حقیقت سوال اصلی مقاله این است که آیا اتحادیه آفریقا به‌عنوان یک بازیگر مهم در شاخ آفریقاقادر به تغییر الگوی روابط در این مجموعه امنیت منطقه‌ای (در سطح داخلی) از دشمنی/رقابت به دوستی/همکاری و نیل به توسعه سیاسی می‌باشد؟ فرضیه مقاله براین مبنا که شاخ آفریقا به‌عنوان مجموعه امنیتی و اتحادیه آفریقابه‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای تلاش دارند با تغییر الگوی روابط از دشمنی/رقابت به الگوی دوستی/همکاری در سطح داخلی، از طریق ایجاد ساختارهای دموکراتیک، در نیل به توسعه سیاسی و پشتیبانی و تقویت آن موثر باشند، مطرح می‌باشد.

اگر اتحادیه آفریقا به‌عنوان مهمترین بازیگر این مجموعه امنیتی بتواند الگوی روابط را به سمت همکاری سوق دهد، در سطح منطقه‌ای نیز بر اساس سنت روابط بین‌الملل همکاری و صلح میان کشورهای دموکراتیک افزایش خواهد یافت و محتمل این مجموعه امنیتی که درگیر بحرانهای فزاینده است به سوی توسعه پایدار رهنمون خواهد شد. مقاله در سه قسمت کلی و یک نتیجه‌گیری سامان دارد. ابتدا بستر نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس چگونگی شکل‌گیری الگوهای روابط در مجموعه امنیت منطقه‌ای شاخ آفریقاییان می‌شود.

بعاذان، اتحادیه افریقا و نقش آن در توسعه سیاسی شاخ افریقا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مقاله با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۱. چارچوب نظری؛ نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

پژوهش پیشگامانه بری بوزان، ملت، دولت‌ها و ترس که نخستین بار در سال ۱۹۸۳ میلادی چاپ و در سال ۱۹۹۱ میلادی مجدداً منتشر شد، نخستین تلاش پایدار و جدی برای مطرح کردن ایده‌هایی مربوط به مفهوم امنیت منطقه‌ای بود. بوزان بیان می‌کند که مفهوم منطقه به معنای وجود نظام فرعی متمایز و مشخص روابط امنیتی در میان مجموعه‌ای از کشورها است که سرنوشت آن‌ها این است که با یکدیگر در مجاورت جغرافیایی همبسته شوند (Buzan, 1991: 188). بر اساس نگاه بری بوزان هیچ کشوری به‌تنهایی قادر به اتکا بر خود نیست و نمی‌تواند امنیت را صرفاً مسئله‌ای در داخل مرزهای خود تعریف کند. در مقابل به دلیل ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل استفاده از واحد نظام بین‌الملل به‌عنوان محور اصلی تحلیل امنیت نیز کاری بیهوده است؛ بنابراین بری بوزان سطح تحلیل را به واحد منطقه متصل می‌کند. از نگاه بوزان مجموعه امنیت منطقه‌ای سطوح تحلیل امنیتی را به چهار سطح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی تقسیم می‌کند و بیان می‌دارد که در خوشه‌های امنیتی هر چهار سطح هم‌زمان عمل می‌کنند؛ البته ممکن است در برخی موارد، یکی از آن‌ها سطح مسلط باشد؛ اما گفتنی است سطح منطقه‌ای در هر شرایطی ایفای نقش خواهد کرد و نمی‌توان آن را در تحلیل نادیده گرفت». (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۷). او در تعریف کلاسیک مجموعه امنیت منطقه‌ای را مجموعه‌ای از دولت‌ها میدانند که پیش‌فرض‌های امنیتی و نگرانی‌هایشان آن‌چنان به‌هم پیوسته است که مسائل امنیت ملی‌شان به‌طور منطقی برای تحلیل کردن یا حل کردن قابل تفکیک از یکدیگر نیستند اما اکنون این تعریف برای دوری از برداشت دولت‌محور روزآمد شده است. تعریف استاندارد بری بوزان از مفهوم منطقه بدین معناست: «مجموعه‌ای از واحدها که فرآیند عمده امنیتی‌سازی، امنیت‌زدایی‌شان یا هر دو آن‌چنان به‌هم پیوسته است که مسائل امنیتی آن‌ها را نمی‌توان جدای از یکدیگر حل کرد یا مورد تحلیل قرار داد (Buzan et al, 1998: 201). او استدلال می‌کند اگر کسی بخواهد مفهوم امنیت را دارای ارتباط منطقی نشان دهد چنین رویکردی ضروری است زیرا که این مفهوم را فراتر از بخش‌های امنیتی و نظامی بسط می‌دهد. شاید دولت‌ها هنوز واحدهای اصلی در

بسیاری از مناطق باشند و یا پویایی‌های و ساختار شکل‌دهنده پیچیدگی امنیت منطقه‌ای توسط دولت‌ها در منطقه ایجاد می‌شود اما ضرورتاً این‌گونه نیستند و دیگر واحدها ممکن است برتری و یا حتی غلبه داشته باشند و این مسئله پیچیدگی شرایط متفاوت بین‌المللی را نسبت به دهه‌های گذشته نشان می‌دهد.

۱-۱. مولفه‌های بنیادین در یک مجموعه امنیتی

ساختارهای اصلی و بنیادین در یک مجموعه امنیتی از نگاه بری بوزان مبتنی بر چهار مؤلفه است:

۱. مرزها که موجب جدایی و تمایز یک مجموعه امنیت منطقه‌ای از دیگر مجموعه‌ها می‌شود.
 ۲. ساختار آنارشیک بدین معنا که مجموعه امنیت منطقه‌ای می‌بایست از چندین ائتلاف یا واحد متمایز از یکدیگر تشکیل شود
 ۳. قطب‌ان که نحوه و میزان توزیع قدرت در میان واحدهای یک مجموعه را نشان می‌دهد. در واقع ساختار و توزیع مادی قدرت را در مجموعه امنیتی نشان می‌دهد که می‌تواند مثلاً دوقطبی، چندقطبی یا تک‌قطبی باشد. نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای در قالب مفهوم قطب‌های ان، سه سطح ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای را پیشنهاد می‌کند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۷)
 ۴. ساخت اجتماعی که نشان‌دهنده الگوهای دوستی و دشمنی است. درون ساختار آنارشیک علاوه بر روابط قدرت (قطب‌ان)، الگوهای دوستی و دشمنی در تعیین ساختار بنیادین و ماهیت مجموعه امنیتی نقش دارند و نشان می‌دهند که کدام الگوی دشمن، رقیب و با دوست بر نظام مسلط است و اینکه تا چه اندازه این الگوها به‌واسطه اجبار نیروی خارجی یا از راه منافع (محاسبه سود و زیان) و با مشروعیت (درک از خوب یا بد و درست یا نادرست) درونی شده‌اند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹)
- اما متغیر مهم دیگری که بوزان آن را در تحلیل مجموعه امنیتی مهم فرض می‌کند، عامل نفوذ یا پوشش است. در این نگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ و ابر قدرت هر کدام می‌توانند با نفوذ و ایجاد ائتلاف در منطقه روند مجموعه امنیت منطقه‌ای را دستخوش تحول و دگرگونی کنند. این نفوذ حتی می‌تواند الگوهای روابط در یک مجموعه



امنیت منطقه‌ای را تغییر دهد. از دیگر سوزان نگاه بوزان مهم‌ترین عامل از میان عوامل ذکر شده در یک مجموعه امنیت منطقه‌ای الگوی دوستی و دشمنی است چراکه این عامل می‌تواند نوع و ماهیت روابط حاکم میان بازیگران یک مجموعه امنیتی را تغییر داده و فضای یک مجموعه امنیتی را متفاوت کند. منظور از دوستی این است که در روابط آن‌ها، طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم باشد. چیزی که این دو قطب را از هم جدا می‌سازد، فاصله وسیعی متشکل از بی‌اعتنایی یا بی‌طرفی است که در آن دوستی و دشمنی یا به‌قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید یا طوری به هم آمیخته است که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۷ در چگینی زاده، ۱۳۹۲)

بر اساس نگاه بوزان عوامل بنیادین که باید در تحلیل در نظر گرفته شود؛ الگوی دوستی/دشمنی میان واحدهاست. الگوی دوستی بدان معنی است که در روابط آن‌ها، زنجیره‌ای شامل دوست واقعی تا چشمداشت حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن شک و هراس حاکم باشد. عامل تفارق میان آن دو الگو طیف وسیعی از کنشهاست که شامل بی‌تفاوتی و با بی‌طرفی است که در آن دوستی و دشمنی با به قدری ضعیف است که چندان به حساب نمی‌آید، یا به طوری به هم آمیخته که گرایش آشکاری به هیچ طرفی ندارد (Buzan, 1998: 215).

۱-۲. مجموعه امنیت منطقه‌ای شاخ آفریقا: بسترهای شکل‌گیری الگوهای روابط در مجموعه امنیت منطقه‌ای شاخ آفریقا

بنابر تعریف بوزان از مجموعه امنیت منطقه‌ای میتوان شاخ آفریقا را به‌عنوان یک مجموعه امنیتی در نظر گرفت. نکته بسیار مهم آنجاست که نوع الگوی روابط در شاخ آفریقا الگوی دشمنی و در مواردی رقابتی بوده است اما مقاله حاضر معتقد است که اتحادیه آفریقا برای توسعه سیاسی و ایجاد ساخت دموکراتیک در شاخ آفریقا تلاش زیادی انجام داده است تا بتواند با ابزارهایی مانند شورای صلح و امنیت منطقه‌ای، همکاری با سازمان‌ها و نهادهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای همچون سازمان ملل، الگوی روابط را از دشمنی به دوستی تغییر جهت دهد. این تلاش‌ها خود را در سطح ملی در مسئله حمایت از انتخابات دموکراتیک و مخالفت با تغییر غیر دموکراتیک قانون اساسی و ایجاد صلح از طریق مأمورین ویژه و

میانجیگری و در سطح منطقه‌ای با رفع تنش میان کشورها نشان داده است. بر این اساس، اعتقاد بر این است که ساختار فعلی اتحادیه آفریقا که برخاسته از شکست سازمان وحدت آفریقا برای بهبود اوضاع آفریقا شکل یافته است هدف اصلی خود را تغییر الگوی روابط در آفریقا و به‌ویژه شاخ آفریقا از الگوی دشمنی با الگوی دوستی/همکاری قرار داده است.

۱-۲-۱. دولت ضعیف و فقدان صلح و ثبات

عاملی که می‌توان به‌عنوان علت‌العلل فقدان توسعه در شاخ آفریقا نام برد عدم وجود حکمرانی خوب و دولت مقتدری است که باید وظیفه تأمین امنیت را در سطح داخلی تأمین کند. شبه‌نظامیان بنیادگرا، دخالت بیگانگان، اقتصاد عقب‌افتاده و توسعه‌نیافته و وضعیت ناامیدکننده جامعه چه در سطح خدمات و چه موقعیت زندگی؛ مربوط به فقدان حضور دولت قدرتمند و کارآمد و نبود حکمرانی خوب است. این مسئله در همه کشورهای شاخ آفریقا با شدت گوناگون وجود دارد. از اتیوپی تا سومالی و سودان در دوران پسااستعمار درگیر مجموعه جنگ‌هایی شدند نتیجه‌اش بحران دولت‌سازی و ملت‌سازی بود، چراکه بحران دولت به‌طور ذاتی با خاستگاه دولت در ارتباط است. ساختار دولت شکل گرفته توسط استعمار، به دوره بعد از استعمار بدون هیچ‌گونه اصلاحی - انتقال یافت که در ابعاد مختلف، با ساختارها و نیازهای اجتماعی ناسازگار بود. این ناسازگاری ناشی از انعطاف‌ناپذیری ساختارهای دوگانه‌ای است که همزیست هستند؛ این تقسیم‌بندی در درجه اول در شهرنشینی، پذیرش نخبگان مدرن، قدرت و ساختار، از یک‌سو و مؤسسات غیررسمی بومی، مقامات و شیوه‌های رایج روستانشینی از دیگر سو بوده است (Mengisteab, 2014) نکته دیگر آنست که در شاخ آفریقا، ماهیت قدرت دولت، علت اصلی مناقشه است چراکه در پیروزی سیاسی فرض بر این است که «برنده همه را صاحب می‌شود». عدم پاسخگویی رهبران، عدم شفافیت در رژیم‌های حاکم، عدم حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق بشر باعث شده است که کنترل سیاسی بیش‌ازحد مهم شده و ریسک سیاسی و اقتصادی بسیار زیاد باشد (Rupiya, 2008: 14). همچنین، با توجه به محیط بسیار شخصی‌سیاسی در شاخ آفریقا که قدرت سیاسی را همچون دارایی شخص حاکم القا می‌کند، برای «رهبر خیرخواه قدرتمند» امثال منجیتسو هایله ماریام، غفار نیمیری یا سیاد باره این امکان را فراهم می‌ساخت تا سرنوشت سیاسی یک کشور را به دست بگیرند، با دیگر



کشورها به دوستی یا دشمنی پردازند و همچنین جمعیت غیرنظامیان نیز به آن ببینند و به گروه‌های شبه‌نظامی و نظامی تبدیل شوند (Wasara, 2002: 39). علاوه بر این، در این کشورها کمبود کارکنان آموزش دیده وجود دارد و آن تعدادی که چشم‌انداز طولانی‌مدت و تجربه طولانی در سیاست‌گذاری و مدیریت امنیتی دارند، ترجیح می‌دهند برای زندگی بهتر و فرار از سوء رفتار در نظام سیاسی به خارج از کشور بروند (Medhanie, 2004: 7). در بعد اقتصادی نیز عدم وجود اقتصادهای با ثبات موجب رقابت سیاسی شده است چراکه همه کشورهای منطقه به‌سختی قادر به دستیابی به سطحی از توسعه اقتصادی هستند که در آن نیازهای اساسی جمعیتشان برآورده شود. فعالیت‌های اقتصادی به‌شدت به مواد اولیه برای صادرات - که در معرض نوسان قیمت‌های بین‌المللی قرار دارد - وابسته است و همچنین فعالیت‌های اقتصادی از وابستگی به خارج، زیرساخت‌های ناکافی، کمبود سرمایه، کمبود نیروی انسانی ماهر و سیاست‌های نادرست توسعه رنج می‌برد. در نتیجه دولت قادر به ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی کافی و اصلاح بیکاری انبوه نیست که تا حدودی ناشی از رشد بالای جمعیت است. بعلاوه، به‌منظور حفظ قدرت، یکپارچه نگه‌داشتن کشور و دفاع از آن در برابر ادعاها و حملات سایر کشورها و جنبش‌های شورشی، رژیم‌های حاکم نیروهای نظامی با ابعاد بزرگ ایجاد می‌کنند.

۱-۲-۲. قدرت‌های بزرگ و نوظهور

سیاست امنیتی جدید خارجی در شاخ آفریقای سه دهه گذشته به تدریج شکل گرفته است و امروز سه تعامل امنیتی متمایز خارجی به‌طور هم‌زمان در منطقه همپوشانی داشته و یک فضای پیچیده ایجاد می‌کنند: (۱) تلاش برای مبارزه با تهدیدات امنیتی غیر سنتی، (۲) گسترش فضای امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه به شاخ آفریقا و (۳) ادغام منطقه شاخ آفریقا در پویایی امنیتی هند و اقیانوس آرام.

از یک‌سو با افزایش حضور ترکیه در منطقه و ایجاد انشعابات متعدد در شورای همکاری خلیج فارس، شاخ آفریقا به مکانی مهم برای جنگ‌های نیابتی در میان قدرت‌های خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شد (Lawson, 2017: 6-7) و از سوی دیگر کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس استراتژی‌های تجاری و امنیتی یکپارچه‌ای را برای منطقه ایجاد کرده‌اند که برای اطمینان از نقش اصلی در نقطه ورود مسیر تجاری شرق و غرب به دریای

سرخ طراحی شده است. توسعه بنادر و زیرساخت‌هایی که از طریق مراکز دبی، ابوظبی و سایر نقاط خلیج فارس بتواند شاخ آفریقا و آفریقای شرقی را به بازارهای آسیا متصل کند، برای کشورهای حاشیه خلیج فارس در اولویت قرار گرفته است. (Pilling, ۲۰۱۸؛ Van den Berg and Meester, ۲۰۱۸)

نکته مهم دیگر حضور فزاینده نظامی چین در شاخ آفریقا است که همراه با گسترش ارتش چین در اقیانوس هند و راه‌اندازی طرح کمربند و جاده، به سایر بازیگران مهم امنیتی آسیا نشان می‌دهد که چین برای داشتن قدرت نظامی در اقیانوس هند تلاش می‌کند. در نتیجه، ژاپن و هند به‌طور فزاینده‌ای تلاش کرده‌اند تا حضور نظامی چین را در منطقه اقیانوس هند متعادل کنند. مأموریت ضد دزدی دریایی چین در ابتدا به‌عنوان عملیات نظامی مقطعی تلقی می‌شد، اما حضور رو به رشد منطقه‌ای، به‌ویژه افتتاح و گسترش پایگاه نظامی در جیبوتی و درگیر شدن این کشور در بندر تجاری دوراله، استراتژی گسترده‌تر چین را نشان می‌دهد. این امر شامل گسترش توانایی‌های امنیتی و منافع اقتصادی در امتداد مسیرهای کلیدی در منطقه هند و اقیانوس آرام است؛ بنابراین ساخت پایگاه نظامی جیبوتی بخشی از یک طرح منطقه‌ای گسترده‌تر چین برای ایجاد بنادر تجاری - نظامی در سراسر منطقه اقیانوس هند است. (US Department of Defense, ۲۰۱۸؛ Cooper, ۲۰۱۸). این روند رو به افزایش حضور چین، با تخمین کارشناسان چینی مبنی بر اینکه چین تا سال ۲۰۳۰ قصد اعزام ۵ یا ۶ ناو هواپیمابر دارد و احتمالاً شامل کشتی‌های مجهز به فناوری هسته‌ای که احتمالاً برخی از آن‌ها در اقیانوس هند مستقر می‌شوند، پیچیده می‌شود. (Osborn, ۲۰۱۸؛ Axe, ۲۰۱۸)

بدین ترتیب تعامل امنیتی فزاینده کشورهای آسیایی در منطقه شاخ آفریقا منجر به ایجاد پایگاه‌های نظامی متعددی شده است. در سال ۲۰۱۱، ژاپن یک پایگاه نظامی - اولین پایگاه خود در خارج از کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم - در جیبوتی ایجاد کرد. این پایگاه در ابتدا برای حمایت از مشارکت ژاپن در عملیات ضد دزدی دریایی در منطقه بود اما مأموریت پایگاه متعاقباً گسترش یافت و شامل تسهیل عملیات صلح، انجام تخلیه شهروندان ژاپنی و پشتیبانی از تمرینات چندجانبه غیر رزمی در آفریقا و خاورمیانه بود. (Park and Ahmad, ۲۰۱۸) ژاپن پایگاه نظامی جیبوتی خود را در سال ۲۰۱۷ و دوباره در سال ۲۰۱۸ افزایش داد. در حالی که کره جنوبی با تکیه بر پشتیبانی لجستیکی نیروی دریایی از جیبوتی و

بندرهایی در خلیج فارس، پایگاه نظامی دائمی ایجاد نکرده است، اما به عنوان بخشی از فعالیت‌های نظامی منطقه‌ای، نیروهای ویژه در امارات ایجاد کرده است. (Park and Ahmad, 2018).

در پاسخ به تجمع نظامی چین در منطقه و تمرکز بیشتر هند نیز بر امنیت دریایی، به دلیل توسعه روابط تجاری خارجی به عنوان بخشی از رشد اقتصادی، اقیانوس هند به کانونی جدید برای امنیت هند تبدیل شده است. در سال ۲۰۱۵، نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، نقش برجسته امنیتی کشور در منطقه را در قالب مفهوم استراتژیک "امنیت و رشد برای همه در منطقه" (SAGAR) اعلام کرد (Modi, 2015). هند به منظور ایجاد تعادل در مقابل افزایش رشد نظامی منطقه‌ای چین، در تلاش است تا شبکه‌ای از مشارکت‌های امنیتی چندجانبه را در منطقه اقیانوس هند، شامل توافق‌نامه‌های مشترک تدارکات، تمرینات و افزایش همکاری با ایالات متحده، ژاپن، استرالیا، فرانسه، انگلیس و اندونزی ایجاد کند. این کشور قبلاً پیمان‌های لجستیکی نظامی با ایالات متحده آمریکا و فرانسه منعقد کرده است که به کشتی‌های جنگی هند امکان دسترسی به پایگاه‌های ایالات متحده و فرانسه را در اقیانوس هند و اقیانوس آرام می‌دهد. (Woody, 2018).

رشد مشارکت‌های امنیتی با تلاش در جهت بهبود هماهنگی‌های سیاسی، از جمله برقراری مجدد گفتگوی امنیتی چهار جانبه بین هند، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده همراه بوده است. هند در حال توسعه امکانات پشتیبانی نیروی دریایی در چانگی^۱ در سنگاپور و سابانگ^۲ در اندونزی در شرق اقیانوس هند است و با ژاپن توافق کرده است تا در توسعه کریدور آسیا - آفریقا همکاری کند. هند همچنین به دنبال تقویت روابط دفاعی خود با آفریقا از جمله در منطقه شاخ آفریقا است. (Smith, 2018; Roche, 2018; Prakash, 2018; Mora, 2019). علاوه بر این، هند در حال تقویت اقدامات نیروهای مسلح خود است؛ تصمیم برای ساخت ۵۶ کشتی جنگی و ۶ زیردریایی و ۲۱۲ شناور جدید تا سال ۲۰۲۷ در اقیانوس هند به عنوان بخشی از هدف این کشور برای تبدیل شدن به قدرت دریایی به‌ویژه در خلیج عدن و تنگه باب المندب است. اگرچه هند پایگاه‌های نظامی خود را در شاخ آفریقا تأسیس نکرده است اما نیروی دریایی این کشور حضور دائمی خود را در این منطقه حفظ می‌کند.

1. Changi
2. Sabang

(Pandit, ۲۰۱۸؛ Dutta, ۲۰۱۸) در نتیجه نگاه هند این گونه است که حضور نیروهای چینی در شاخ آفریقا به منزله گسترش تهدید نظامی چین از مرزهای زمینی به حوزه دریایی است. در مقابل آمریکا نیز به حضور خود در این منطقه حساس اهمیت داده است. اولویت‌های امنیتی ایالات متحده در شاخ آفریقا در حال حاضر در پاسخ به نقش فزاینده قدرت‌های جهانی و منطقه‌ی شاخ آفریقا، به‌ویژه افزایش توان امنیتی-نظامی چین، تغییر کرده است. در مارس ۲۰۱۸، ژنرال توماس دی والداوزر، رئیس فرماندهی آفریقای ایالات متحده (AFRICOM)، اظهار داشت که انتظار دارد پایگاه‌های نظامی چینی بیشتری در آفریقا ایجاد شود و در دسامبر ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ راهبرد جدیدی را برای آفریقا اعلام کرد که در کنار پیشرفت منافع اقتصادی ایالات متحده و مقابله با سازمان‌های بنیادگرا، بر رقابت با قدرت‌های بزرگ چین و روسیه تمرکز دارد. (Copp, 2019) جان بولتون، مشاور وقت امنیت ملی ایالات متحده، در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸ در هنگام اعلام آغاز سیاست جدید در آفریقا، در مورد نقش فزاینده چین در جیوتی ابراز نگرانی کرد که به گفته وی می‌تواند بر تعادل قدرت در شاخ آفریقا، به‌ویژه با توجه به تسلط چین بر شریان‌های عمده تجارت دریایی بین اروپا، خاورمیانه و آسیای جنوبی تأثیر بگذارد. بولتون همچنین اظهار داشت که ایالات متحده حمایت خود از عملیات صلح سازمان ملل را دوباره ارزیابی می‌کند و تلاش می‌کند مأموریت‌هایی را که تأثیرگذار نیستند یا صلح پایدار را تسهیل نمی‌کنند، تعدیل کند، تغییر شکل دهد و یا به پایان برساند. (White House, ۲۰۱۸) بیانیه استقرار آفریکام در سال ۲۰۱۹ نگرانی‌های ایالات متحده در مورد رویکرد اقتصادی و امنیتی چین نسبت به آفریقا را تکرار کرده و خاطر نشان می‌کند که چین ۸۰ درصد از بدهی دولت جیوتی را در اختیار داشته است؛ در واقع جایی که دسترسی از طریق تنگه باب المندب، دریای سرخ و کانال سوئز ضرورت استراتژیک ایالات متحده است. (United States Africa Command, ۲۰۱۹). در نتیجه تعامل امنیتی خارجی نیز به‌طور مداوم در حال پیشرفت است که نشان‌دهنده تنوع بازیگران و تغییر منافع امنیتی است. از یک سو پس از دو دهه که تمرکز اصلی تعامل امنیتی خارجی بر تهدیدات امنیتی غیر سنتی و درگیری‌های داخلی در شاخ آفریقا بود و توسط فرایندهای تحریم بین‌المللی و چندملیتی پشتیبانی می‌شد، اکنون شاخ آفریقا به مکانی برای رقابت خارجی تبدیل شده است و از سوی دیگر چالش‌های امنیتی داخلی منطقه شاخ آفریقا به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر رقابت استراتژیک بین بازیگران

قدرتمند امنیت بین‌المللی خاورمیانه و خلیج فارس و منطقه هند-اقیانوس آرام قرار گرفته است.

۱-۲-۳. مشکلات زیست‌محیطی در شاخ آفریقا

منطقه شاخ آفریقا در حال حاضر از چندین مشکل عمده زیست‌محیطی رنج می‌برد، از جمله تخریب جنگل‌ها، تخریب زمین و بیابان‌زایی، آلودگی و از بین رفتن تنوع زیستی که در برخی موارد به دلیل فقدان روزآمدسازی، داده‌های قابل‌اندازه‌گیری در مورد علل و وسعت این مشکلات وجود ندارد. مصفا معتقد است: تغییرات اقلیم در بسیاری مناطق از جمله آفریقا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر بسیاری از حقوق بشری از جمله حق حیات، دسترسی به غذای مناسب، آب سالم، سلامتی و مسکن مناسب داشته است. افراد تحت تأثیر این تغییرات اغلب مردم فقیر ساکن در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مناطق خشک یا نیمه‌خشک هستند. در این بین، گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان برای دسترسی به حقوق اولیه خود از جمله دستیابی به آب و غذا با مخاطرات و مشکلات بیشتری مواجه هستند. با روند فزاینده تغییرات آب‌وهوایی، پیش‌بینی شده است که در سال‌های آینده دگرگونی‌های فراوانی در میزان بارش در حوالی صحرا و آفریقای جنوبی، رشد بیابان‌زایی در اثر افزایش دما و همچنین کمبود آب پدید آید. (مصفا، ۱۳۹۵). علاوه بر این موارد درگیری در شاخ آفریقا تأثیرات گسترده‌ای بر محیط‌زیست برجای گذاشته است. جنگل‌زدایی، از بین رفتن حیات وحش و تنوع زیستی فقط بخشی از تأثیرات زیست‌محیطی درگیری در این منطقه است. تأثیرات درگیری مسلحانه بر محیط پیچیده است و ارزیابی آن به دلیل دسترسی محدود به مناطق آسیب‌دیده در زمان جنگ دشوار است. با این حال، چند مطالعه وجود دارد که تأثیر درگیری بر محیط‌زیست در شاخ آفریقا را نشان می‌دهد. مطالعات نشان داده است که درگیری باعث رها شدن زمین شده به علت ناامنی خواهد شد و رفاه روستائیان و مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد که این امر می‌تواند منجر به اختلال در تولید کوتاه‌مدت در تأمین موارد غذایی مردم شود. (Solomon, 2018). جنگ نیز موجب افزایش دسترسی مردم و گروه‌های قومی به سلاح شد و این مسئله منجر به کشتار وسیع حیوانات گشته و بعضی از گونه‌های جانور را در معرض انقراض قرار داده است؛ اما مسئله مهم‌تر در مورد آب و خشکسالی است. در اسیوپی جنوبی خشکسالی مکرر در نتیجه کمبود بارندگی،

جستجوی آب و مرتع را دشوارتر کرده است و جابه‌جایی در داخل کشور و میان مناطق و ایالات گوناگون برای جستجوی منابع آبی و محصولات غذایی به درگیری منجر شده است (USAID, 2014). پژوهشی نشان داده است که خشکسالی احتمال درگیری در سومالی را ۶۲ درصد افزایش می‌دهد (Solomon, 2018).

۴-۲-۱. گروه‌های بنیادگرا و تروریسم

در شاخ آفریقا و با هدایت رهبران مذهبی دین تبدیل به سنگری ایدئولوژیک شده است تا در برابر مدرنیته غربی ایستادگی شود. در آفریقای پسااستعمار که از نوسازی و مدرنیته عقب‌افتاده و هنوز مرزها به دنیای وستفالیایی وارد نشده و سیستم‌های سیاسی پاسخگویی هویت و البته نیازهای مردمان ساکن در شاخ آفریقا نبود، مذهب با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای مأمون و تکیه‌گاه مردمی شد که اگرچه قانون اساسی سکولار داشتند اما زندگی‌شان پیوسته با مذهب تعریف‌شده بود. این مسئله پس از یازده سپتامبر با حضور گروه‌های اسلام‌گرا که ادعای راهبری مذهبی داشتند و نوعی "چه باید کرد" برای مشکلات انباشته‌شده در آفریقا ارائه می‌کردند اوج گرفت. در اواخر دهه ۱۹۸۰، جنبش‌ها و شورش‌های اجتماعی با الهام از مذهب در نظم سیاسی در حال فروپاشی در آفریقا ظهور کردند. اتفاق مهم به دست گرفتن قدرت در سال ۱۹۸۹ در سودان توسط جبهه ملی اسلامی شاخه‌ای از اخوان المسلمین، تحت فرماندهی ژنرال عمر البشیر و رهبر مذهبی حسن الترابی و ایجاد اولین رژیم اسلامی در آفریقا بود که پس از آن نمود خود را در دیگر کشورهای شاخ آفریقا نشان داد. بسیاری از مسلمانان آفریقایی در دانشگاه اسلامی مدینه و سایر دانشگاه‌های مذهبی عربستان سعودی تحصیل کرده و پس از بازگشت به کشورهای خود انگیزه‌ای برای چشم‌اندازهای سلفی ایجاد کردند. یک داستان مشابه را می‌توان در مورد "دانشگاه بین‌المللی آفریقا" در خارطوم بیان کرد که در ۱۹۷۷ با پول عربستان تأسیس و توسط رژیم عمر البشیر در سودان گسترش یافت. (Abbink, ۲۰۲۰) گروه مهم بنیادگرا در این ناحیه الشباب است. الشباب در دروان اوج خود، الشباب شهر بندری کیسمایو، بخش‌های بزرگی از پایتخت موگادیشو و زمین‌هایی را در جنوب و مرکز سومالی کنترل می‌کرد. کنترل زمین به این گروه اجازه می‌دهد تا فعالیت‌های خود را گسترش داده، از طریق بندر کیسمایو پول و کالاها را دریافت کرده و جمعیت محلی را از طریق اعدام‌های سریع و

ممنوعیت دسترسی به کمک‌های غذایی برای سومالی‌ها در مناطقی که تحت کنترل آن‌ها است، مطیع سازند. (Burke, 2017). در طول دو دهه گذشته و در فقدان این چنین برنامه‌هایی ظهور الشباب و رقابت ایدئولوژیک در گروه بین هواداران القاعده و دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به وخیم‌تر شدن بحران انسان‌دوستانه در سومالی منجر شده است. در پی این درگیری درونی که گروه‌های کوچکی در داخل الشباب و گروه‌های رقیب برای جلب وفاداری مردم ایجاد شدند خشونت و حملات علنی علیه غیرنظامیان افزایش یافت و حتی به عضوگیری به کشورهای دیگر کشیده شد. در نتیجه گسترش الشباب به مجاورت کنیا، در سال ۲۰۱۱ میلادی، دولت کنیا با همکاری دولت سومالی عملیات لیندا انچی را آغاز کرد. (Anderson and McKnight, ۲۰۱۵) این عملیات نیروی هوایی کنیا را برای حمله به پایگاه‌های الشباب به کار گرفت و به واحدهای نظامی دستور داد تا از مرز سومالی عبور کنند و تروریست‌ها را از پایگاه‌های خود یعنی حوزه نفوذ الشباب بیرون کنند. تقریباً یک ماه پس از شروع عملیات لیندا انچی، نیروهای کنیا رسماً به مأموریت آمیسوم در سومالی پیوستند و نیروهای اتحادیه آفریقا را به ۲۲۰۰۰ نفر افزایش دادند. در نتیجه درگیری کنیا و سومالی، الشباب شروع به هدف قرار دادن مستقیم کنیا، با حملات تروریستی به یک مرکز خرید، یک دانشگاه و یک پایگاه نظامی کرد. (AMISOM, 2017). این فعالیت‌های مقابله با تروریسم تا جایی تداوم پیدا کرد که در ۱۹ اوت ۲۰۱۷ میلادی، نیروهای امنیتی کنیا، رهبر تحت تعقیب الشباب را در کنیا به هلاکت رساندند. (AllAfrica, ۲۰۱۷) این روندهای بنیادگرایی تنها یک نمونه از وضعیت ایدئولوژیک در این مجموعه امنیتی است و میتوان نمونه‌هایی در میان گروه‌های صوفی، سستگرا و قبیل‌های پیدا کرد. بنابراین رشد اسلام‌گرایی به‌عنوان ابزار مبارزه و تعریف هویت به‌ویژه در میان جوانان از متمایزترین ویژگی‌های مجموعه امنیتی شاخ آفریقا است.

۱-۳. رویکرد اتحادیه آفریقا به توسعه سیاسی؛ دموکراسی به‌مثابه روش

از نظر برخی از نظریه پردازان توسعه همچون شومپتر، ترجیح دموکراسی نه در دخالت مستقیم مردم بلکه در نقش مردم در تحدید دیکتاتوری یک گروه علیه دیگر گروه‌ها است. وی معتقد است «دموکراسی فقط به این معنی است که مردم میتوانند کسانی را که بر آن‌ها حکومت می‌کنند بپذیرند یا رد کنند... پس در توصیف جنبه ای از آن می‌توان گفت

دموکراسی، حکومت سیاست مداران است». (دیوید هلد، ۱۳۸۴، ۲۵۲) در واقع او به دموکراسی ابتدا به عنوان یک روش سیاسی و سپس یک ارزش می‌نگرد که انگار ارزشش نیز بیشتر در همان خاصیت روشی آن نهفته است. منظور شومپتر از دموکراسی، نوعی روش سیاسی است، یعنی نوعی ترتیب نهادی برای ورود به عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های سیاسی- قانون گذاری و اداری- از طریق واگذار کردن قدرت تصمیم‌گیری در کلیه‌ی امور عمومی به افراد معینی که موفق شده اند آرای مردم را به دست آورند. فرض کنیم جامعه‌ای بتواند رهبران سیاسی خود را به صورت دمکراتیک برگزیند اما آن‌ها نتوانند به درستی اعمال قدرت کنند و یا صرفاً ابزار دست گروه‌های دیگر باشند در چنین نظام‌های سیاسی مقامات عالی تصمیم‌گیرنده که برگزیده شده‌اند اعمال قدرت تام نمی‌کنند. آن‌ها با دیگر گروه‌های جامعه در اعمال قدرت شریک می‌شوند در این صورت به صورت ابزار دست گروه‌های غیردمکراتیک خواهند بود (دیوید هلد، ۱۳۸۴، ۲۶۰) از این‌رو، دموکراسی را باید به‌مثابه روشی سیاسی درک کرد که در آن مردم در مقام انتخاب‌کننده به صورت ادواری از میان تیم‌های ممکن رهبری دست به انتخاب می‌زنند؛ نتیجه اینکه در میان مدل‌های دموکراسی و فلسفه‌های رفتارهای سیاسی دموکراتیک برای جامعه‌ی شاخ آفریقا، شاید بهترین گزینه مدلی است که در این مقاله به‌عنوان روایت حداقلی از دموکراسی مطرح شد. بر این مبنا معتقدیم که دموکراسی حداقلی با توجه به شرایط کنونی شاخ آفریقا قابلیت اجرایی دارد و آمال سیاسی اتحادیه آفریقا در اوج خود، توان رسیدن به این تعریف از دموکراسی را داراست. دموکراسی‌ای که در آن طرف‌های دیگر نه روح قواعد دموکراتیک بلکه به خاطر حفظ منافع خود و البته فقدان توانایی کافی و لازم برای حذف دیگری مجبور به گفتگو و تعامل با یکدیگرند تا بر سر میز مذاکره بنشینند، چانه‌زنی کنند، گفت و گو کنند، به بده بستان‌های سیاسی بپردازند و سیاست را از خیابان به اتاق‌های گفتگو برگردانند و دیگران را در قدرت شریک کنند. این تعریف از دموکراسی در بیانیه‌ها، اقدامات و منشور اتحادیه آفریقا بعنوان در دسترس‌ترین مفهوم از دموکراسی خود را نشان داده است به طور مثال در سال ۲۰۰۰ منظور اتحادیه از تغییرات غیرقانونی دولت شامل (۱) کودتاهای نظامی علیه دولت منتخب دموکراتیک، (۲) مداخله مزدوران برای جایگزینی دولت منتخب دموکراتیک، (۳) جایگزینی دولت‌های منتخب دموکراتیک توسط گروه‌های مخالف مسلح و شورشیان و (۴) امتناع دولت فعلی از تسلیم قدرت به حزب برنده پس از انتخابات آزاد، عادلانه و منظم (OAU، ۲۰۰۰)

مشخص شد؛ این تعریف نشان دهنده رویکرد حداقلی به دموکراسی یا دموکراسی به مثابه روش است.

۲. اتحادیه آفریقا؛ صلح و ثبات با تأکید بر توسعه سیاسی

۱-۲. قوانین بنیادین اتحادیه آفریقا در حمایت از توسعه سیاسی

اتحادیه آفریقا ابزارهای بسیاری دارد که می‌تواند با استفاده از آن‌ها دموکراسی را در کشورهای عضو ایجاد، محافظت و ترویج کند. به‌طورکلی، ادبیات مربوط به ترویج دموکراسی بیرونی سه نوع ابزار را مشخص کرده است که می‌تواند توسط بازیگران خارجی برای تأثیرگذاری بر نظام‌های سیاسی کشورها مورد استفاده قرار گیرد (Beichelt, 2012؛ rzel and RisseBö, 2012؛ Schimmelfennig, 2009): اول، بازیگران خارجی می‌توانند از نیروی اجبار (به‌عنوان مثال از طریق عملیات نظامی) برای تغییر رفتار رژیم هدف استفاده کنند؛ سازوکار دوم با ارائه مشوق‌های مثبت و منفی به کشورهای هدف، محاسبه سود و منفعت بر رژیم هدف متمرکز می‌شود که این امر می‌تواند انگیزه‌های مادی مثبت یا منفی (به‌عنوان مثال تحریم‌های اقتصادی) یا مشوق‌های غیرمادی باشد (به‌عنوان مثال محکومیت عمومی برخی رفتارها و در نتیجه متحمل شدن هزینه‌های اجتماعی بالقوه)؛ سرانجام، بازیگران خارجی این امکان را دارند که رژیم هدف را متقاعد کنند که رفتار نامناسب است.

منشور و اسناد اتحادیه آفریقا با توجه به راه‌های فوق‌الذکر سیاست‌های جامع را برای

ترویج دموکراسی بیان کرده است که می‌توان به اسناد زیر اشاره کرد:

- بیانیه لومه در مورد چارچوب واکنش سازمان وحدت آفریقا (OAU) به تغییرات غیرقانونی دولت (OAU, 2000)؛
- قانون اساسی اتحادیه آفریقا (AU, 2000)؛
- توضیحات مربوط به اصول حاکم بر انتخابات دموکراتیک در آفریقا (AU, 2002a).
- پروتکل مربوط به ایجاد شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا (AU, 2002b)

- منشور جوانان آفریقایی (Commission of the African Union).

(a۲۰۰۶):

- سیاست مربوط به بازسازی و توسعه پس از جنگ (AU، b۲۰۰۶).

- منشور دموکراسی، انتخابات و حکمرانی آفریقا (AU، ۲۰۰۷)

شاید هیچ سازمان بین‌المللی دیگری در مورد نظام‌های سیاسی کشورهای عضو خود چنین مقررات جامعی نداشته باشد. در حالی که جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی (ECOWAS) ممکن است در سطح مشابهی باشد، سازمان‌های دیگر از جمله سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)^۱ جنبه‌های خاصی را پوشش می‌دهند اما چنین چارچوب جامعی را ارائه نمی‌دهند.

ساختارها و دستورالعمل‌های راهبردی را می‌توان با توجه به نوع مشکلی که به آن مربوط می‌شوند، تنظیم کرد. از لحاظ نظری، کشورها می‌توانند در سه موقعیت قرار بگیرند: اول، حمایت از دموکراسی وجود دارد که به ترمیم نظم دموکراتیک می‌پردازد؛ دوم، فعالیت‌های ارتقاء دموکراسی باهدف تقویت تحکیم ساختارهای دموکراتیک موجود وجود دارد؛ سوم، فعالیت‌های ایجاد دموکراسی در آن کشورهایی که ساختارهای دموکراتیک (رژیم‌های استبدادی تلفیقی و شرایط جنگ داخلی) در آن وجود ندارد یا بسیار کم است.

۲-۲. ساختارها و دستورالعمل‌های راهبردی اتحادیه آفریقا در ایجاد، ترویج و حمایت از توسعه سیاسی

اول: حمایت از دموکراسی برای بازیابی نظم دموکراتیک

فعالیت‌های اتحادیه برای حمایت از دموکراسی در کشورهای عضو آن شامل نفی و رد (AU، ۲۰۰۰: پاراگراف ۴) تغییرات غیرقانونی دولت (UCG)^۲ است. تعریف اتحادیه در سال ۲۰۰۰ از تغییرات غیرقانونی دولت شامل (۱) کودتاهای نظامی علیه دولت منتخب دموکراتیک، (۲) مداخله مزدوران برای جایگزینی دولت منتخب دموکراتیک، (۳) جایگزینی دولت‌های منتخب دموکراتیک توسط گروه‌های مخالف مسلح و شورشیان و (۴) امتناع دولت فعلی از تسلیم قدرت به حزب برنده پس از انتخابات آزاد، عادلانه و منظم (OAU، ۲۰۰۰)

1. Organization of American States
2. Unconstitutional Changes of Government



شد. در سال ۲۰۰۷، اتحادیه تعریف سازمان وحدت را تغییر داد تا هرگونه اصلاح یا بازنگری در قانون اساسی یا اسناد قانونی را نیز شامل شود. (AU، ۲۰۰۷: ماده ۲۳/۵).

هنگامی که اتحادیه تغییرات غیرقانونی دولت را در یکی از کشورهای عضو آن محکوم کند، کشور متخلف موظف است ظرف یک دوره انتقال شش ماهه نظم قانون اساسی را بازگرداند (OAU، ۲۰۰۰). از دیدگاه واقع‌بینانه دقیقاً آنچه چنین نظم اساسی را موجب شود نامشخص است اما به نظر می‌رسد که این کار با مذاکره به صورت مورد به مورد و پس از هر تغییر غیرقانونی تعیین می‌شود. اسناد مربوط به اتحادیه به صراحت سه تعهد مربوطه را ذکر کرده‌اند:

(الف) پیروی از اصل تغییر دموکراتیک (AU، ۲۰۰۰: v)؛

(ب) سازمان‌دهی انتخابات آزاد و منظم مطابق با قانون (AU، ۲۰۰۰: vi) و

(ج) برای اطمینان از اینکه مجرمین مجاز به شرکت در انتخابات یا داشتن هرگونه مسئولیت در نهادهای سیاسی کشورشان نیستند (AU ۲۰۰۷: ماده ۲۵.۴).

در صورت ایجاد تغییرات غیرقانونی، اتحادیه چندین ابزار در اختیار دارد که می‌تواند در تلاش برای بازگرداندن نظم قانون اساسی از آن‌ها استفاده کند. وجه مشترک این ابزارها این است که هدف همه آن‌ها تحمیل هزینه‌های مادی یا غیرمادی به کشور هدف است - یعنی کشوری که تغییرات غیرقانونی در آن واقع شده است - یا عاملان این تغییرات غیرقانونی. معروف‌ترین ابزار تعلیق عضویت در اتحادیه است که مطابق قانون اساسی اتحادیه آفریقا (AU، ۲۰۰۰: ماده ۳۰) دولت‌هایی که از طریق روش‌های ضد قانون اساسی به قدرت برسند مجاز به شرکت در فعالیت‌های اتحادیه نیستند. این اولین ساختاری است که در اتحادیه می‌تواند برای ایجاد هزینه‌های غیرمادی یا اجتماعی به کار رود. تعلیق عضویت کشور متخلف، کشور مقصد را در سطح بین‌المللی منزوی خواهد کرد و اگر دولت هدف واقعاً بخواهد در اتحادیه عضو باشد و تأیید اجتماعی دولت‌های دیگر را ارزیابی کند، به‌تنهایی کارساز نخواهد بود. علاوه بر تعلیق، ارگان‌های اتحادیه همچنین باید با عاملان تغییرات غیرقانونی درگیر شوند تا آن‌ها را برای بازگرداندن نظم قانون اساسی متقاعد کنند. (AU، ۲۰۰۵: ۵). پس از یک دوره شش ماهه، اگر نظم قانون اساسی احیاء نشده باشد، می‌توان از ابزارهایی باهدف اقتصادی تنبیهی و سلبی استفاده کرد، از جمله عدم پذیرش ویزا برای عاملان تغییر غیر قانون اساسی، محدودیت‌های تماس دولت با دولت، محدودیت‌های



تجاری و غیره (OAU، ۲۰۰۰) که این امر بعدها در منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکومت تأیید شد که در آن آمده است: «مجمع ممکن است تصمیم بگیرد که اشکال دیگر مجازات‌ها را علیه عاملان اعمال کند...» (AU ۲۰۰۷: ماده ۲۵.۷) از جمله اقدامات اقتصادی تنبیهی در سال ۲۰۰۷، اتحادیه تحریم‌های گسترده‌ای را با مجازات‌های هدفمند که مستقیماً متوجه عاملان تغییر غیرقانونی دولت بود، اعمال کرد؛ برای مثال، مجرمان را در دادگاه اتحادیه محاکمه کرد (AU ۲۰۰۷: ماده ۲۵.۵) یا کشورهای عضو را از دادن پناهندگی به آن‌ها منع کرد (AU ۲۰۰۷: ماده ۲۵.۸). در عوض، کشورهای عضو باید عاملان تغییرات غیرقانونی را به محاکمه بکشند یا اقدامات لازم را برای تحویل آن‌ها انجام دهند (AU ۲۰۰۷: ماده ۲۵.۹). به‌طور خلاصه، اتحادیه می‌تواند شرایطی را که تهدیدکننده نظم دموکراتیک موجود در کشورهای عضو آن است متزلزل سازد.

دوم: ارتقاء دموکراسی برای جلوگیری از سقوط نظم دموکراتیک

درحالی‌که وظایف اتحادیه برای جلوگیری از فروپاشی نظم دموکراتیک با بازیابی نظم دموکراتیک شباهت دارد، اما رویکرد اتحادیه برای هر وضعیت بسیار متفاوت است. اتحادیه به‌جای استفاده از انگیزه‌های منفی برای تحریک نوع خاصی از رفتار، اصولی را پایه‌گذاری کرده است که در سرتاسر قاره اعمال می‌شود و پیگیری اجرای این موارد با همکاری و حسن نیت خود کشورها همراه خواهد شد. این اصول شامل موارد زیر است:

۱. ترویج اصول و نهادهای دموکراتیک، مشارکت مردمی و حکمرانی خوب (AU، ۲۰۰۰: ماده ۳g)
۲. احترام به قانون اساسی مربوط به کشورهای عضو و سایر قوانین (OAU، ۲۰۰۰: ii)
۳. احترام به تفکیک قوا و استقلال قوه قضاییه (AU 2000: ماده ۴ m)
۴. ترویج پلورالیسم سیاسی، سایر اشکال دموکراسی مشارکتی و نقش جامعه مدنی آفریقا، از جمله تقویت و اطمینان از تعادل جنسیتی در روند سیاسی (OAU، ۲۰۰۰: iv)
۵. تضمین آزادی بیان و آزادی مطبوعات، از جمله دسترسی به رسانه‌ها برای همه ذینفعان سیاسی (OAU، ۲۰۰۰: vii)
۶. تضمین و ترویج حقوق بشر (AU، ۲۰۰۰: ماده ۳h)



۷. تصویب قانون اساسی حقوق و آزادی‌های اساسی مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و منشور آفریقایی ۱۹۸۱ در مورد حقوق بشر و مردم (OAU، ۲۰۰۰: viii)

۸. برگزاری انتخابات دموکراتیک به‌عنوان اساس اقتدار هر دولت. (AU، ۲۰۰۲a) چنین انتخاباتی باید: - آزادانه و منصفانه

- ذیل قانون اساسی دموکراتیک و مطابق با اسناد قانونی حمایتی تحت نظام تفکیک قوا که به‌ویژه استقلال قوه قضاییه را تضمین می‌کند - در فواصل منظم، همان‌طور که در قانون اساسی ملی پیش‌بینی شده است - توسط مؤسسات انتخاباتی بی‌طرف، فراگیر، پاسخگو، متشکل از پرسنلی کاملاً آموزش‌دیده و مجهز به پشتیبانی کافی (AU، ۲۰۰۲a)

مسئولیت اصلی - از نظر قانونی و عملی - نه به عهده اتحادیه بلکه به‌طور کلی بر عهده کشورهای عضو آن است. در واقع، بازیگران سیاسی هر کشور هستند که باید روح در این ایده‌ها را دمیده و آن‌ها را به اصول راهنمای واقعی یک کشور دموکراتیک تبدیل کنند. با توجه به اینکه مسئولیت تحقق این اصول به عهده خود کشورها است، اتحادیه فقط سه ابزار اصلی برای تشویق به پیروی از قوانین دارد: ابتدا، اتحادیه با گرد هم آوردن افراد و مؤسسات از زمینه‌های مختلف برای به اشتراک گذاشتن تخصص و بهترین روش‌ها برای ترویج و اجرای اصول دموکراتیک ذکر شده، سعی می‌کند نقش یک نهاد آموزشی را نیز ایفا کند. ابزار دوم، یعنی نظارت بر انتخابات، رویکرد مستقیم‌تری را در پیش می‌گیرد، اگرچه مبتنی بر همان فرایندهای رویکرد آموزشی فوق‌الذکر است. کشورهای عضو می‌توانند مأموریت‌های حقیقت‌یابی یا نظارت بر انتخابات و همچنین انواع دیگر تحقیق و تفحص را در کل روند انتخابات در خواست کنند (AU، ۲۰۰۲a؛ AU، ۲۰۰۰: ماده ۱۸). سومین ابزار که الزامی است، دیوان عدالت و حقوق بشر آفریقا است چراکه استفاده از دیوان می‌تواند به‌مثابه انگیزه مهم و البته ابزار تهدیدکننده تلقی شود زیرا این احکام می‌تواند شامل پرداخت غرامت باشد و همچنین ممکن است هزینه‌های اجتماعی را به کشور هدف تحمیل کند.

سوم: ایجاد دموکراسی در رژیم‌های غیر دموکراتیک

کشورهای شاخ آفریقا به‌عنوان عضو اتحادیه یا دارای نظام‌های سیاسی غیر دموکراتیک بوده‌اند یا درگیر جنگ داخلی و در هر دو مورد، وظیفه اتحادیه آفریقا می‌تواند ایجاد نظم دموکراتیک باشد و نیاز شاخ آفریقا ایجاد یک نظم سیاسی جدید اما ادبیات گسترده موجود در زمینه دولت‌سازی حاکی از آن است که شاخ آفریقا هنوز با مشکلات بی‌شماری همراه است.

تعهدات مربوط به حفظ نظم دموکراتیک از نظر دموکراسی‌های مستقر نیز مربوط به این شرایط است. سؤال این است که اتحادیه تا چه اندازه ابزارهایی در اختیار دارد که بتواند رژیم موردنظر را تغییر دهد؟ پروتکل مربوط به تأسیس شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا (AU, ۲۰۰۲b). ارگان‌های مختلفی را ایجاد کرده است که «ترمیم حاکمیت قانون، ایجاد و توسعه نهادهای دموکراتیک و آماده‌سازی، سازمان‌دهی و نظارت بر انتخابات در کشور عضو مربوطه را انجام دهند» (AU, ۲۰۰۲b: ماده ۱۴.۱). این ارگان‌ها شامل هیئت خردمندان، سیستم هشدار سریع قاره‌ای و نیروی آماده باش آفریقا هستند که می‌توانند:

- (۱) به‌منظور جلوگیری از تشدید اختلاف یا درگیری
- (۲) درگیری خشونت‌آمیز مداوم از گسترش به مناطق همسایه و
- (۳) ظهور مجدد خشونت پس از توافق طرفین درگیری وارد عمل شوند (AU, ۲۰۰۲b: ماده ۳).

درحالی‌که استفاده از زور امکان‌پذیر است و در چندین مورد نیز اجباری است، سیاست توسعه پس از جنگ ابزارهایی را بر اساس ملاحظات مادی و غیرمادی برای اطمینان از بازسازی و توسعه صلح‌آمیز و دموکراتیک ترسیم می‌کند. (AU, ۲۰۰۶) در اینجا کمیسیون اتحادیه به‌عنوان تسهیل‌کننده پشتیبانی غیرمادی وارد می‌شود و همچنین شرکای بین‌المللی را برای ارائه حمایت مادی برای برنامه‌های مداوم و جدید پس از جنگ و همچنین سایر اشکال همیاری، تشویق می‌کند (AU, ۲۰۰۶: ماده ۵۰ ج). بعلاوه، اتحادیه وظایف واحدهای جداگانه را برای پیگیری پیشرفت در کشورهای عضو مربوطه، پشتیبانی مادی و غیرمادی تصویب و اجرای سیاست‌ها و هماهنگی با سازمان ملل متحد انجام می‌دهد. با توجه به وظایف اتحادیه در مورد حفاظت، ترویج و ایجاد دموکراسی در کشورهای عضو، تصویر کلی چشمگیر و جامع است و اتحادیه تعداد زیادی ابزار در اختیار دارد.

۲-۳. پشتیبانی اتحادیه آفریقا از انتخابات به مثابه نماد توسعه سیاسی

انتخابات رکن اصلی تشکیل دهنده دموکراسی است؛ بنابراین، درحالی که انتخابات دارای ارزش ذاتی خاص خود است (انتخاب رهبران توسط شهروندان) همچنین دارای ارزشی ابزاری نیز هست یعنی ساخت، پرورش و تحکیم حاکمیت دموکراتیک و صلح و ثبات سیاسی. به طور گسترده‌ای در سطح جهانی پذیرفته شده است که حاکمیت دموکراتیک و مشارکتی، صلح و امنیت و همچنین ثبات سیاسی، همگی پیش شرط‌های اساسی توسعه انسانی پایدار هستند. انتخابات نباید به خودی خود هدف باشد بلکه باید وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد و این هدف، تحول جامعه به سمت فضای سیاسی بازتر و متکثرتر است که به شهروندان امکان می‌دهد در انتخاب رهبران و اداره امور ملی شرکت کنند. با وجود این واقعیت، رابطه بین انتخابات، از یک سو و دموکراسی و صلح و امنیت از سوی دیگر یک رابطه پیچیده است. در شرایط مساعد، انتخابات منظم، مدیریت شده و به موقع می‌تواند با دستیابی به اهداف زیر دموکراسی، ثبات و صلح و امنیت را ارتقاء دهد:

- مشروعیت سیستم سیاسی و دولت
- انتقال مشروعیت ملی به افراد و احزاب
- تأمین جانشینی منظم دولت‌ها
- انتخاب و جذب رهبران
- بسیج اجتماعی و آموزش سیاسی برای رأی‌دهندگان
- رقابت بر سر قدرت دولت
- هدایت منازعه‌های سیاسی به سوی رویه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز آن‌ها
- نمایش آراء و منافع رأی‌دهندگان
- تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و
- ایجاد یک اپوزیسیون با توانایی پاسخگو کردن دولت.

اما در آفریقا و به ویژه شاخ آفریقا انتخابات ابزاری ست برای ترویج خشونت سیاسی و جنگ. در حقیقت آنچه که مشکل عمده این قاره است، این است که چنین منازعاتی به خشونت سیاسی با پیامدهای مخرب اقتصادی - اجتماعی و سیاسی تبدیل شود. بسته به وضعیت اقتصادی - اجتماعی یک کشور و نحوه مدیریت انتخابات آن، امکان تضعیف روندهای دموکراتیک‌سازی و خشونت سیاسی وجود دارد که منجر به بی‌ثباتی و عدم صلح

و امنیت در کشور موردنظر شود؛ همچنین می‌تواند بر کشورهای همسایه نیز تأثیر بگذارد. ناگفته نماند که وقتی انتخابات منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شود، در نتیجه صلح و امنیت را تضعیف می‌کند، این اتفاق توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور موردنظر را از بین می‌برد. اساساً، یکی از عوامل اصلی خشونت‌های انتخاباتی در قاره آفریقا، سوء مدیریت تنوع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - فرهنگی بوده است (UNDP and UNECA، ۲۰۱۳: ۷۹). به همین دلایل در سال ۲۰۱۴، انتخابات عمومی در کشورهای عضو اتحادیه برگزار شد. اتحادیه آفریقا باهدف اطمینان از اعتبار و قانونی بودن نتایج آن‌ها، مأموریت‌های ناظر انتخابات را برای همه این موارد مستقر کرد. بعلاوه، اتحادیه آفریقا موفق شد مأموریت‌های نظارت بر انتخابات را تقریباً در همه این کشورها باهدف اطمینان از انتخابات دموکراتیک، معتبر و صلح‌آمیز مستقر کند.

علاوه بر این موارد اتحادیه آفریقا از چالش ناشی از خشونت سیاسی مربوط به انتخابات در آفریقا نیز غافل نیست. این امر چارچوب هنجاری کاملاً مشخصی برای ارتقاء دموکراتیزه کردن، صلح و امنیت از طریق برگزاری انتخابات منظم، معتبر و شفاف دارد. قانون اساسی مصوب ۲۰۰۰ اتحادیه کشورهای عضو را متعهد به اصول و نهادهای دموکراتیک می‌کند و از صلح، امنیت و ثبات در این قاره، ترویج اصول و نهادهای دموکراتیک، مشارکت مردمی و حکمرانی مطلوب؛ ترویج و حمایت از حقوق بشر مطابق با منشور آفریقایی در مورد حقوق مردم و حقوق بشر و سایر اسناد مربوط به حقوق بشر حمایت می‌کند. (AU، ۲۰۰۰) کنفرانس امنیت، ثبات، توسعه و همکاری (CSSDCA) کشورهای عضو اتحادیه را متعهد کرد تا صلح و امنیت، ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی - اجتماعی و همکاری و مشارکت منطقه‌ای را دنبال کنند؛ در این اعلامیه آمده است که: «دموکراسی، حکمرانی خوب، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون پیش شرط امنیت، ثبات و توسعه قاره است» (Declaration Solemn CSSDCA، ۲۰۰۰: ماده ۹h). منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکمرانی که توسط سران کشورها و دولت‌ها در آدیس‌آبابا تصویب شده تعهد کشورهای عضو اتحادیه آفریقا برای برگزاری انتخابات معتبر، شفاف و قانونی را که حاکمیت دموکراتیک را تقویت می‌کند و در این روند صلح، امنیت و ثبات سیاسی را ترویج می‌کند که همگی پیش‌نیازهای اساسی توسعه اقتصادی - اجتماعی هستند. این منشور بر اساس بیانیه ۲۰۰۲ سازمان وحدت/ اتحادیه در مورد اصل حاکم بر انتخابات

دموکراتیک در آفریقا نباشده است و از کشورهای عضو اتحادیه آفریقا خواستار تلاش برای برگزاری انتخابات اصیل و معتبر با نتایج مشروع و قابل قبول است. برای این منظور، کشورهای عضو را ترغیب می‌کند:

- ایجاد و تقویت نهادهای انتخاباتی ملی مستقل و بی طرف که مسئولیت مدیریت انتخابات را دارند

- ایجاد و تقویت سازوکارهای ملی که به موقع اختلافات مربوط به انتخابات را حل و فصل می‌کنند

- حصول اطمینان از دسترسی عادلانه و منصفانه احزاب و کاندیداهای رقیب به رسانه‌های تحت کنترل دولت در طول انتخابات

- اطمینان از اینکه یک چارچوب رفتاری الزام‌آور حاکم بر ذینفعان سیاسی، دولت و سایر بازیگران سیاسی به رسمیت شناخته شده قبل، در حین و بعد از انتخابات وجود دارد. این قانون باید شامل تعهدی از سوی ذینفعان سیاسی برای پذیرش نتایج انتخابات یا به چالش کشیدن آن از طریق مجاری قانونی باشد.

بدیهی است که اتحادیه آفریقا از هنجارها و ارزش‌های لازم برای ارتقا دموکراتیزه کردن، صلح و امنیت از طریق جلوگیری از منازعه‌های مربوط به انتخابات برخوردار است و حتی جوامع اقتصادی، جزء سازنده اتحادیه، هنجارهای مشابه خاصی برای امور خود دارند. باین حال، چالش عمده‌ای که اتحادیه و جوامع اقتصادی منطقه‌ای با آن روبرو هستند شکافی است که بین هنجارها به‌عنوان آمال و اهداف با اجرای واقعی آن‌ها در سطح ملی کشورهای عضو آن‌ها وجود دارد.

۲-۴. واکنش سیاست‌های اتحادیه آفریقا در برابر تغییرات خلاف قانون اساسی

این قسمت را با مروری بر سیر تحول تاریخی چارچوب هنجاری سازمان وحدت/اتحادیه در مورد تغییرات غیرقانونی دولت ادامه می‌دهیم. نزدیک به پایان جنگ سرد، هنگامی که دوقطبی بودن ایدئولوژیکی بین غرب و شرق متوقف شد، چارچوب هنجاری سازمان وحدت آفریقا در جهت ارتقا دموکراسی و موضع‌گیری قاطعانه در برابر تغییرات غیرقانونی در ۱۹۸۹ به طرز چشمگیری تغییر کرد در سال ۱۹۹۰، سازمان وحدت اعلامیه خود را در مورد اوضاع سیاسی و اجتماعی اقتصادی در آفریقا و تغییرات اساسی در جهان تصویب

کرد. در این اعلامیه مجدداً بر تعهد این سازمان برای تقویت نهادهای دموکراتیک، ارتقا مشارکت مردمی و اطمینان از انتقال قدرت دموکراتیک تأکید شد و رهبران آفریقایی بیان داشتند که «دموکراسی و توسعه باید با هم پیش بروند و باید با یکدیگر تقویت شوند» (OAU، ۱۹۹۰).

موضوع محوری حاکمیت دموکراتیک برای تلاش برای یکپارچگی و توسعه قاره همچنان یک موضوع اصلی در اعلامیه قاهره بود که در سال ۱۹۹۵ تصویب شد. باز هم رهبران آفریقا بر عقیده قاطع خود که «دموکراسی، حکمرانی خوب، صلح، امنیت، ثبات و عدالت از مهم‌ترین عوامل در توسعه اقتصادی - اجتماعی آفریقا هستند و بدون دموکراسی و صلح، توسعه امکان‌پذیر نیست؛ و بدون توسعه، صلح دوام ندارد» تأکید کردند (OAU، ۱۹۹۵). دنباله اعلامیه قاهره بیانیه الجزایر بود که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد و در آن رهبران آفریقایی از گسترش آزادی‌های دموکراتیک و استقرار نهادها و فرهنگ دموکراتیک در کشورهای مختلف عضو سازمان وحدت قدرانی کردند (OAU، ۱۹۹۹).

در ژوئیه ۲۰۰۰، سازمان وحدت آفریقا اعلامیه رسمی در مورد کنفرانس امنیت، ثبات، توسعه و همکاری در آفریقا (CSSDCA) و برنامه مشخص اقدامات مربوط به چگونگی تعمیق حاکمیت دموکراتیک و ایجاد صلح، امنیت و ثبات پایدار را ارائه کرد. با تکیه بر حرکت کنفرانس، تصویب بیانیه ۲۰۰۰ لومه در مورد چارچوب پاسخ سازمان وحدت به تغییرات غیرقانونی دولت تحولی تاریخی بود؛ درحالی‌که چارچوب هنجاری قبلی سازمان وحدت رهبران آفریقایی را به‌طور عمده به دموکراسی، صلح و توسعه به‌عنوان ارکان اصلی قاره متعهد کرده بود، در بیانیه ۲۰۰۰ لومه، سازمان وحدت صریحاً برای اولین بار تعریفی از تغییر غیرقانونی در قانون اساسی ارائه داد که هنوز هم اعمال می‌شود اگرچه اندکی به‌روز شده است. این تعریف شامل چهار شاخصه زیر است:

(الف) کودتاهای نظامی علیه یک دولت منتخب دموکراتیک

(ب) مداخله مزدوران برای جایگزینی دولت منتخب دموکراتیک

(ج) جایگزینی یک دولت منتخب دموکراتیک توسط گروه‌های مخالف مسلح یا

شورش و

(د) امتناع دولت فعلی از تسلیم قدرت به حزب برنده پس از انتخابات آزاد، عادلانه و

منظم (OAU، ۲۰۰۰).

اعلامیه لومه شامل اصول، برنامه عملیاتی و سازوکار اجرایی بود که دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و حکمرانی خوب و سایر موضوعات را به رسمیت می‌شناخت. این اصول باید با ایجاد نهادهای مربوطه، سازمان‌دهی انتخابات آزاد و منصفانه، ترویج مشارکت مردمی اجرا شود. بیانیه رسمی کنفرانس، با اشاره به اینکه ثبات ایجاد می‌کند که همه کشورها با پایبندی دقیق به قانون، حکمرانی خوب، مشارکت مردم در امور عمومی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هدایت شوند، تأیید می‌کند که:

۱- قوه‌های مجریه، مقننه و قضایی دولت باید به قانون اساسی ملی خود احترام بگذارند و به مفاد قانون پایبند باشند

۲- مشارکت فعال و واقعی شهروندان هر کشور در فرآیندهای تصمیم‌گیری و در انجام امور عمومی باید تقویت و تسهیل شود

۳- کلیه حقوق و آزادی‌های شهروندان باید ارتقاء یافته و محافظت شود

۴- هیچ مانعی برای ترویج کثرت‌گرایی سیاسی وجود ندارد و

۵- مبارزه با تروریسم، با تمام مظاهر آن، برای ثبات ضروری است.

در سال ۲۰۰۲، در دوربان آفریقای جنوبی، موارد فوق تأیید و شاخص‌های کلیدی عملکرد دموکراتیک با مهلت‌های مشخص بیان شد؛ در مورد ثبات، این شاخص‌ها شامل دموکراتیزه کردن و حکمرانی خوب، محدودیت در تصدی دارندگان مقامات سیاسی، فساد اداری، کمیسیون‌های مستقل انتخابات ملی، نظارت بر انتخابات، اصلاحات مالی انتخابات و نظام احزاب سیاسی است. برای اطمینان از پاسخ منظم و محکم‌تر به چنین شرایطی، اتحادیه شورای صلح و امنیت خود را در اجلاس افتتاحیه سال ۲۰۰۲ تأسیس کرد. همچنان که بیان شد برخی از اهداف اصلی شورای صلح و امنیت به شرح زیر است:

- ارتقاء صلح، امنیت و ثبات در آفریقا به منظور تضمین حفاظت از جان و مال، رفاه

مردم آفریقا و محیط‌زیست آن‌ها و همچنین ایجاد شرایط مناسب برای توسعه پایدار

- پیش‌بینی و جلوگیری از منازعه‌ها

- ترویج و اجرای فعالیت‌های صلح‌سازی و بازسازی پس از جنگ برای تحکیم

صلح و جلوگیری از تجدید خشونت

- هماهنگی تلاش‌های قاره‌ای باهدف جلوگیری و مبارزه با تروریسم بین‌المللی با

همه جنبه‌های آن

- تدوین سیاست دفاعی مشترک برای اتحادیه مطابق با ماده ۴ (د) قانون اساسی و
 - ترویج و تشویق اقدامات دموکراتیک، حکمرانی خوب و حاکمیت قانون، حمایت
 از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و احترام به کرامت انسان و حقوق بشردوستانه
 بین‌المللی به‌عنوان بخشی از تلاش‌ها برای جلوگیری از منازعه‌ها (AU، ۲۰۰۲: ۵).

آخرین ابزار موجود در اتحادیه علیه تغییر غیرقانونی، منشور آفریقایی در مورد
 دموکراسی، انتخابات و حکومت (ACDEG) است که دارای یک فصل خاص با تمرکز بر
 این موضوع است. در حقیقت، یکی از عوامل اصلی توسعه و تصویب منشور مذکور،
 محکومیت و رد تغییر غیرقانونی در آفریقا توسط کشورهای عضو اتحادیه بود. منشور
 همچنین با افزودن مؤلفه پنجمی به چهار رکن مندرج در اعلامیه ۲۰۰۰ لومه، تعریف تغییر
 غیر قانون اساسی دولت را دقیق‌تر کرد که به این صورت که «هیچ‌یک از اصلاحات یا تغییرات
 قانون اساسی یا اسناد قانونی که نقض اصول تغییر دموکراتیک دولت است مقبول نیست». در
 تعریف مذکور، این مؤلفه تلاشی است تا جریانات بازنگری در قانون اساسی را که موجب
 تضعیف روحیه مشروطیت، حکومت قانون، نظم عمومی و انتقال آرام و دموکراتیک قدرت
 می‌شود، مسدود سازد. از آن زمان تاکنون، اتحادیه عضویت کشورهای زیر را به حالت تعلیق
 درآورد: ساحل عاج (۲۰۱۰)، جمهوری آفریقای مرکزی (۲۰۰۳)، مصر (۲۰۱۱-۱۳)، گینه
 (۲۰۰۸)، ماداگاسکار (۲۰۰۲ و ۲۰۰۹)، مالی (۲۰۱۲)، موریتانی (۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، نیجر
 (۲۰۰۹) و توگو (۲۰۰۵). در همه این موارد، اتحادیه درگیر منازعه دیپلماتیک با فشار
 سیاسی و اقتصادی برای بازگرداندن قانون اساسی بود. اگرچه نتایج تلاش‌های اتحادیه
 متفاوت بوده است، اما فشار بی‌وقفه اتحادیه، کشورهای عضو جوامع منطقه‌ای و جامعه
 بین‌المللی در بازگشت به دولت قانونی در اکثر این کشورها نقش داشته است. در کنار این
 مقررات، گام‌های قابل توجهی در زمینه دموکراتیزه کردن در سراسر آفریقا برداشته شده است
 که در انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، انصراف از قدرت توسط رهبران و اصلاحات گسترده
 قانون اساسی که اکثر کشورها برای گسترش تکرر و مشارکت آغاز کرده‌اند، دیده می‌شود. به
 بررسی مواردی از نقش اتحادیه آفریقا در کشورهای منطقه می‌پردازیم.



۲-۴-۱. انتخابات سودان

سودان از سال ۲۰۱۳ اعتراضات مداومی را علیه سیستم سیاسی عمرالبشیر تجربه می‌کرد، گفتگوی ملی شکست‌خورده، نتایج انتخابات در سال ۲۰۱۵ مورد اعتراض، ادامه درگیری مسلحانه در مناطق حاشیه‌ای و اقدامات ریاضتی وضعیت سیاسی-اقتصادی را بدتر کرده بود. این وضعیت به‌ویژه به دنبال آخرین دور تظاهراتی که در دسامبر ۲۰۱۸ به دلیل گران شدن نان، کمبود آرد و کاهش ارزش پوند آغاز شد به سرعت از تقاضا برای اصلاحات اقتصادی به خواسته‌ی برکناری فوری نه‌تنها البشیر بلکه کل دولت وی تبدیل شد. واکنش خشونت‌آمیز دولت به تظاهرات مسالمت‌آمیز، اعلام وضعیت اضطراری و برچیده شدن دولت‌های ملی و منطقه‌ای، اعتراضات گسترده را از میان نبرد منتج به کودتای نظامیان در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ و اتمام سه دهه حکومت عمرالبشیر شد. (Walsh, 2019)

۱۴ مه ۲۰۱۹ شورای نظامی با ائتلاف «آزادی و تغییر» تشکیل شده از نظامیان، غیرنظامیان معترض بر سر انتقال قدرت به دولتی غیرنظامی و تشکیل یک دولت موقت برای سه سال به توافق رسیدند. بر اساس این توافق دو سوم کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری به ائتلاف «آزادی و تغییر» و مابقی کرسی‌ها به احزاب و تشکل‌هایی که عضو ائتلاف نیستند خواهد رسید. این تصمیم نتیجه مذاکرات طولانی و طاقت‌فرسایی بود که جز با حمایت اتحادیه آفریقا و دخالت شورای صلح و امنیت اتحادیه به نتیجه نمی‌رسید؛ این طولانی‌ترین و مهم‌ترین مذاکره برای اطمینان از انتقال سیاسی مسالمت‌آمیز در سودان بود. درحالی‌که ارتش پس از انقلاب قدرت را کنترل می‌کرد، یک سرکوب شدید در ۳ ژوئن ۲۰۱۹ توسط نیروهای مسلح علیه معترضان فشار داخلی و خارجی اضافی را به شورای انتقالی نظامیان برای مذاکره با غیرنظامیان وارد کرد. امضای یک توافق‌نامه سیاسی بین ارتش و غیرنظامیان که آغازگر دوره انتقالی است، از مراحل مختلف مذاکرات تشکیل شد: مرحله اول شامل هماهنگی تظاهرات و رسیدن به حداقل اجماع بین احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های اجتماعی و برخی از گروه‌های شورشی مسلح بود. این گروه‌ها در ائتلاف «آزادی و تغییر» در ۱ ژانویه ۲۰۱۹ توافق‌نامه سیاسی آزادی و تغییر را امضا کردند. مرحله دوم ایجاد اجماع بین ائتلاف «آزادی و تغییر» و گروه‌های مسلح فعال در میان اسلام‌گرایان بود. در آخرین مرحله طیف متنوعی از ذینفعان از جمله دستگاه‌های امنیتی، ائتلاف غیرنظامی که اعتراضات را رهبری می‌کرد و گروه‌های شورشی مسلح برای پایان دادن به

حکومت البشیر گرد هم آمده‌اند تا به گذار دموکراتیک تحت نظارت اتحادیه آفریقا یار رسانند؛ اما چه اتفاقی افتاد که نظامیان مجبور به پذیرش رویه دموکراتیک شدند؟ کدام اهرم نظامیان و «شورای انتقالی نظامیان» را مجبور به پذیرش اصول دموکراتیک نمود؟ شاید بهترین پاسخ اعمال فشار اتحادیه آفریقا و شورای امنیت و صلح اتحادیه است.

تشدید خشونت در سودان پس از شکست مذاکرات بین «شورای انتقالی نظامیان» و مخالفان باعث شد که اتحادیه آفریقا، سودان را از کلیه فعالیت‌ها در اتحادیه آن هم "با اثر فوری" معلق کند. اتحادیه آفریقا همچنین به خارطوم هشدار داد که در صورت عدم انتقال قدرت توسط حکومت نظامی سودان به مقامات غیرنظامی مطابق با خواسته‌های جنبش اعتراضی کشور، اقدامات بیشتری انجام خواهد شد. تصمیم شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا در مورد تعلیق عضویت سودان در این نهاد از حمایت اکثریت اعضا برخوردار شد. چند روز قبل از تعلیق، موسی فکی، رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقا، خواستار تحقیقات "فوری و شفاف" در مورد قتل معترضان توسط نیروهای نظامی در خارطوم شد و باینکه «شورای انتقالی نظامیان» از حمایت‌های بی‌شائبه و قوی عربستان سعودی و امارات برخوردار بود اما اتحادیه آفریقا و شورای صلح و امنیت این قاره در کنار مردم سودان و غیرنظامیان ایستاد. (۸۵۴ امین جلسه شورا درباره سودان، peaceau.org)

این واکنش با توجه به عزم موسسه آفریقایی برای الگو قرار دادن کودتای مردود در جهان تعجب‌آور نیست. اتحادیه آفریقا تاکنون نشان داده است که از اراده‌ای قوی در مقابل کودتا و تغییر غیرقانونی دولت برخوردار است، سیاستی که در اعلامیه لومه سازمان وحدت آفریقا در سال ۲۰۰۰، تغییر خلاف قانون اساسی در دولت را ممنوع کرده بود به یک اصل اساسی در منشور آفریقایی حقوق بشر و منشور ۲۰۰۷ آفریقا برای دموکراسی، انتخابات و حکمرانی تبدیل شد. (Cafiero, 2019).

شورای صلح و امنیت اتحادیه در بیانیه خود با ابراز نگرانی از وضعیت سودان خواستار قدرت به رهبری غیرنظامیان شد و درباره خشونت نسبت به معترضان و زیر پا گذاشتن حقوق معترضین در خارطوم از رئیس کمیسیون، در هماهنگی نزدیک IGAD و کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم (ACHPR)، در چارچوب اسناد مربوط به اتحادیه آفریقا خواستار تحقیق و محاکمه و مجازات آمران این جنایت شد. شورا از تقویت فوری تیم تسهیلگر اتحادیه جهت تداوم مذاکره در سودان شد و اعلام کرد مطابق با اسناد مربوط به

اتحادیه آفریقا، به‌ویژه قانون اساسی اتحادیه آفریقا، پروتکل مربوط به تأسیس شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا و منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکومت، تعلیق فوری جمهوری سودان از کلیه فعالیت‌های اتحادیه آفریقا تا زمان تأسیس یک حکومت انتقالی به رهبری غیرنظامیان را به‌عنوان تنها راه خروج سودان از بحران فعلی، اعلام می‌کند. بعلاوه اگر شورای نظامی انتقال نتواند قدرت خود را به یک نهاد انتقالی به رهبری غیرنظامی واگذار کند، شورای صلح و امنیت اتحادیه بدون تأخیر، به‌طور خودکار مجازاتی را بر اشخاص و نهادهایی که مانع استقرار دولت انتقالی به رهبری غیرنظامیان هستند، اعمال می‌کند. (۸۵۴ امین جلسه شورا درباره سودان، peaceau.org)

در نتیجه این موضع شورای صلح و امنیت و اتحادیه آفریقا، گفتگوهای صلح به میزبانی سودان جنوبی آغاز و در ۱۷ آگوست به امضا رسید و سند قانون اساسی از سپتامبر ۲۰۱۹ به دولت انتقالی شش ماه فرصت داد تا توافقنامه‌های صلح با همه گروه‌های مسلح در سودان را نهایی کند و در نهایت توافقنامه صلح میان گروه‌ها امضا شد. گروه‌های شورشی مسلح که آخرین توافق صلح را در آگوست سال ۲۰۲۰ امضا کردند، در مجموع سه کرسی در شورای حاکمیت، یک چهارم کرسی‌های شورای قانون‌گذاری انتقالی، پنج وزارتخانه و حدود ۴۰ درصد پست‌های اداری در مناطق خود را به دست می‌آورند. پس از رسیدن به توافق در آگوست ۲۰۱۹، قرارداد سه‌ساله تقسیم قدرت میان احزاب نظامی، غیرنظامی و گروه‌های معترض و نخست‌وزیری عبدالله حمدوک، اتحادیه آفریقا تعلیقی را که برای سودان ایجاد کرده بود در سپتامبر ۲۰۱۹ لغو کرد. (Hamid, 2019) این تعلیق به همراه فشارهای اتحادیه آفریقا و شورای صلح و امنیت و تهدید مقامات نظامی سودان برای تحریم و مجازات در صورت عدم تمکین به روند دموکراتیک و همچنین تلاش‌های این اتحادیه برای مذاکره و ارسال مأمور ویژه و حمایت از تلاش‌های سودان برای برقراری گفت‌وگوها، نشان‌دهنده اراده مصمم اتحادیه برای ترویج دموکراسی و صلح بوده است.

۲-۴-۲. انتخابات کنیا، مداخله شورای صلح و امنیت اتحادیه در کنیا

کنیا پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۷، شاهد خشونت گسترده سیاسی بود که منجر به مرگ حدود ۱۳۰۰ نفر و آوارگی داخلی حدود ۵۰۰۰۰۰ شهروند شد. خشونت انتخابات به شدت مورد مناقشه دسامبر ۲۰۰۷ در طی مدت زمان حدود شش هفته گسترش

یافت و طی آن اتحادیه برای جلوگیری از تشدید خشونت مداخله کرد. در طی دوره منتهی به انتخابات ۲۰۰۷، حزب مخالف - جنبش دموکراتیک نارنجی (ODM)، به رهبری نخست‌وزیر سابق رایلا اودینگا - نگرانی‌هایی را در مورد صحت روند انتخابات، از جمله انتصاب کمیسرها به کمیسیون انتخابات کنیا (ECK)، ثبت‌نام رأی‌دهندگان و ادعاهای ارباب رأی‌دهندگان توسط دولت و تقلب در آرا را مطرح نمود. هنگامی که رئیس‌جمهور سابق موآی کیباکی برنده انتخابات اعلام شد و در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۷ سوگند یاد کرد، مخالفان خواستار اقدام گسترده برای اعتراض به نتایج شدند. درحالی‌که برخی مناطق تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار می‌کردند، برخی دیگر قتل، تجاوز، آتش‌سوزی، غارت، تخلیه اجباری و ضرب و شتم را تجربه کردند. مداخله و رهبری اتحادیه آفریقا و شورای صلح و امنیت لازم بود تا خشونت متوقف شود. (مسئله‌ای که منجر به محاکمه سه کنیایی، از جمله رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور در دادگاه کیفری بین‌المللی به اتهام جرم علیه بشریت شد. (Kanyinga, 2012)

رئیس‌جمهور سابق غنا، جان کافور، که رئیس وقت مجمع و سران دولت‌های اتحادیه بود، با استفاده از سمت خود تلاش کرد تا فرایند میانجیگری بین تشکیلات سیاسی رئیس‌جمهور وقت موآی کیباکی از حزب ملی وحدت (PNU) و حزب رقیب، رائلا اودینگا از جنبش دموکراتیک نارنجی (ODM) را آغاز کند. تلاش اولیه کافور برای میانجیگری توسط احزاب رد شد. باین حال، کافور به‌عنوان راهی برای پیشرفت، اتحادیه را متقاعد کرد که هیئتی از شخصیت‌های برجسته آفریقایی را به رهبری کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل و از جمله رئیس‌جمهور سابق تانزانیا، بنجامین مکیپا و مادام گراسا ماشل، رهبر سابق جنبش آزادی‌بخش موزامبیک FRELIMO تشکیل دهد. اتحادیه فعالیت‌های این هیئت برجسته را که مورد حمایت سازمان ملل بود تأیید کرد و این هیئت در دوره خشونت سیاسی موفق شد میانجیگری در توافق صلح بین طرفین موسوم به توافقنامه گفتگوی ملی و آشتی کنیا را که در ۲۸ فوریه ۲۰۰۸ امضا شد، به سرانجام رساند. این میانجیگری کنیا یکی از معدود موارد موفقیت مداخله شورای صلح در اتحادیه تا آن زمان بود و زمینه را برای ایجاد یک دولت ائتلافی تا سال ۲۰۱۳، زمانی که دور بعدی انتخابات انجام شد فراهم کرد. هیئت برجسته اتحادیه به نقش نظارتی خود در اجرای توافق ملی ادامه داد گرچه نقش شورای صلح در این زمینه تا حد زیادی نقش حمایتی بود. (ر.ک: Laibuta, ۲۰۱۴)

در حقیقت ورود اتحادیه به مسئله انتخابات کنیا و خشونت‌های پس از آن و مشارکت اولیه اتحادیه آفریقا ضرورت مداخله سریع رهبری اتحادیه آفریقا را هر زمان که یک کشور عضو با درگیری یا بحران قانون اساسی روبرو می‌شود، برجسته می‌کند. در ابتدا فقط رئیس اتحادیه آفریقا در روند میانجی‌گری دخیل بود و در جلسه اتحادیه آفریقا که در تاریخ ۳۱ ژانویه تا ۲ فوریه ۲۰۰۸ در آدیس‌آبابا برگزار شد، تنها قطعنامه اتحادیه آفریقا در مورد کنیا صادر شد. این سازمان از وضعیت کنیا ابراز نگرانی و خشونت و از دست دادن جان افراد را محکوم کرد و (از همه مهم‌تر) طرفین را متعهد به گفتگو و حل مسالمت‌آمیز درگیری از طریق روند میانجی‌گری به رهبری کوفی عنان کرد. این قطعنامه پیامی محکم برای همبستگی با مردم کنیا ارسال کرد و ضرورت حل مسالمت‌آمیز اختلاف را نشان داد.

این قطعنامه و تلاش‌های رهبر اتحادیه آفریقا در کنیا مقدمه آتش‌بس خشونت‌های پس از انتخابات بود و زمینه را برای روند میانجی‌گری که منجر به روند ساخت قانون اساسی شد فراهم کرد. برای آماده‌سازی زمینه ایجاد قانون اساسی، هیئت شخصیت‌های خردمندان و تیم‌های مذاکره دستور کار زیر را ایجاد کردند:

- اقدام فوری برای جلوگیری از خشونت و بازگرداندن حقوق و آزادی‌های اساسی
- اقدامات فوری برای مقابله با بحران انسانی و ارتقا آشتی ملی
- عبور از بحران سیاسی کنونی
- مسائل و راه‌حل‌های طولانی‌مدت.

مسائل و راه‌حل‌های طولانی‌مدت بیشترین اهمیت را برای تجزیه و تحلیل فعلی دارند. روند «مصالحه و گفت‌وگوی ملی کنیا یا KNDR»^۱، اصلاحات قانون اساسی، نهادی و قانونی را به عنوان راه‌حل‌های طولانی‌مدت مشخص کرد امری که نشان می‌داد ایجاد قانون اساسی یک روند طولانی و پیچیده است. پس از روند ناموفق بررسی بازنگری قانون اساسی، روند میانجی‌گری سال ۲۰۰۸ امید جدیدی را برای ایجاد قانون اساسی جدید ایجاد کرد و به اتحادیه آفریقا توصیه‌هایی انجام داد:

- (۱) اتحادیه آفریقا باید سریعاً به درگیری‌های داخل یا در بین کشورهای عضو پاسخ دهد تا اطمینان حاصل شود که مکانیزم حل تعارض کارآمد است و (۲) در ضمن ارگان‌های اتحادیه آفریقا باید آشکارا و علناً در مورد بحران‌های قانون اساسی کشورهای عضو برای

1. The Kenya National Dialogue and Reconciliation

ترویج مشروطیت و حاکمیت قانون بحث کنند و کمیته‌های نظارتی را برای نظارت بر فرآیندهای میانجیگری ایجاد کنند. یکی از چالش‌های فرآیند میانجیگری کنیا این بود که توسط ارگان‌های اصلی اتحادیه آفریقا مانند شورای صلح و امنیت تحت نظارت قرار نگرفته بود چراکه اگر آن‌ها روند ساخت قانون اساسی را به تحت نظارت خود درآورده و پیشرفت فرایند تدوین قانون اساسی را پیگیری می‌کردند، نتیجه مثبت‌تر بود.

در نتیجه همین توصیه‌ها، قانون اساسی کنیا در سال ۲۰۱۰ به مرحله نهایی و در فراندوم عمومی به تأیید مردم کنیا رسید. (www.kenyalaw.org) نتیجه راهنمایی‌ها و البته اقدامات پیشگیرانه و مداخله فعال اتحادیه آفریقا موجب شد تا در دور بعد کنیا در سال ۲۰۱۷ درگیر موج خشونت سیاسی گسترده نشود و مشروعیت انتخابات پس از وقفه اندکی توسط عامه مردم تأیید شود. این موفقیت بزرگ برای اتحادیه آفریقا و تلاش‌های پیشگیرانه این اتحادیه در راه جلوگیری از خشونت سیاسی و ایجاد روند دموکراتیک، نشان داد که می‌تواند با تغییرات نهادی به‌ویژه تأکید بر قانون اساسی، روند دموکراتیک، احترام به حقوق مردم و به‌ویژه میانجیگری فعال در میان اعضای اتحادیه، خشن‌ترین منطقه از آفریقا و شاید جهان مدرن یعنی شاخ آفریقا را به ساحل دموکراسی و رشد سیاسی رهنمون کند. اهمیت تلاش‌های اتحادیه آفریقا در این نکته نهفته است که ایجاد صلح در کنیا نه با نیروی نظامی بلکه با قدرت نرم یعنی مشروعیت اتحادیه و حمایت‌های مشاوره‌ای به وقوع پیوسته آن هم در منطقه‌ای که خشونت سیاسی پس از انتخابات و کشتار غیرنظامیان امری بدیهی بوده است. این دستاورد، نماد درک مشترک کارگزاران و مردم اتحادیه آفریقا از تهدیداتی است که آن‌ها را به‌سوی ایجاد سازوکار مشترک امنیتی منطقه‌ای کارآمد و با اراده به نام اتحادیه آفریقا کشانده است.

۲-۴-۳. سومالی؛ همکاری اتحادیه آفریقا با سازمان ملل متحد در پشتیبانی انتخاباتی و

مبارزه با تروریسم

مساعدت مربوط به انتخابات حوزه دیگری است که سازمان ملل و اتحادیه آفریقا و سازمان‌های بیندولتی و منطقه‌ای رابط‌کاری قوی و طولانی‌مدت برقرار می‌کنند. درحالی‌که عملیات صلح سازمان ملل و تیمهای کشوری، کمک‌های فنی مربوط به انتخابات را انجام می‌دهند، این دو سازمان تقسیم‌کار غیر رسمی را ایجاد کرده‌اند. در مقایسه، مجمع عمومی



سازمان ملل متحد پارامترهای سختگیرانه‌تری را برای حمایت بالقوه سازمان از فرآیندهای انتخاباتی تعیین کرده است. (African Charter on Democracy، ۲۰۰۷) از نظر همکاری نهادی، بخش کمک‌های انتخاباتی سازمان ملل متحد همچنان در ارتباط نزدیک با هم‌تای خود در بخش امور سیاسی اتحادیه است و به کمیسیون اتحادیه کمک کرده است تا پایگاه داده ناظران انتخابات خود را ایجاد کند. از سوی دیگر کمیسیون اتحادیه آفریقا می‌تواند درحالی‌که به‌طور هم‌زمان بر مأموریت‌های نظارت بر انتخابات متمرکز است و دیپلماسی آرامی را هدایت می‌کند، در طی روند انتخابات، دولت‌های ملی و احزاب سیاسی را دعوت به سازش کند. کمیسیون اتحادیه آفریقا همچنین در تلاش است تا فراتر از مأموریت‌های نظارت کوتاه‌مدت انتخابات، پشتیبانی جامع‌تری را در طول چرخه انتخابات ارائه دهد. (UNDP and AU، ۲۰۱۹)

شاید بتوان همکاری در کشور سومالی و مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی یعنی (AMISOM) را نقطه بسیار خوب همکاری میان ارکان اتحادیه آفریقا از جمله شورای صلح و امنیت با سازمان ملل و شورای امنیت سازمان ملل و جوامع و سازمان‌های منطقه‌ای دانست؛ مسئله‌ای که اکنون میان مبارزه با تروریسم و برگزاری انتخابات و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در حال ادامه فعالیت است. شورای امنیت سازمان ملل در طول مأموریت (AMISOM) حمایت‌های لازم مادی و معنوی و نظامی را از این مأموریت انجام داده و از ابتدای سال ۲۰۲۰ در فواصل معین و جلسات ویژه درباره سومالی گفت‌وگو کرد. جلسات مربوط به انتخابات آینده و مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی (AMISOM) از مهم‌ترین اقدامات اتحادیه آفریقا و شورای امنیت این بود که این مأموریت را نه ماه دیگر تمدید کرد و در آوریل ۲۰۲۰ نیز این شورا جلسه دیگری درباره اوضاع داخلی سومالی با سران کشورها برگزار کرد. آنچه توجه شورای امنیت سازمان ملل را به سومالی دو چندان کرده است ابتدا مسئله انتخابات در پایان ۲۰۲۰ بود و سپس گسترش کووید ۱۹، ادامه حملات تروریستی الشباب، افزایش اختلافات و جناح‌بندی‌های خشن سیاسی در داخل و جدیدترین مسئله حمله ملخ صحرائی به مزارع سومالی. این اتفاقات در سال‌های اخیر موجب افزایش تعداد آوارگان شده و امنیت غذایی ۱.۳ میلیون نفر را دستخوش مخاطره ساخته است. در نتیجه سیاست‌گذاری اتحادیه آفریقا و شورای صلح و امنیت برای سومالی در سال‌های آتی بسیار مهم است. شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه ۲۰۲۰ خود در دسامبر

درباره سومالی و نیز همکاری میان اتحادیه آفریقا و سازمان ملل بر اهمیت ابتکارات این سازمان‌های منطقه‌ای، حمایت بین‌المللی را در مبارزه با تهدید تروریسم و از جمله تداوم مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی (AMISOM)، مسئله تأمین مالی عملیات صلح اتحادیه آفریقا و نهادهای منطقه‌ای آفریقا، اعطا کمک‌های مالی برای تداوم پیشگیری از خشونت و عملیات‌های صلح تأکید کرده بود. (www.un.org، ۲۰۲۰) همچنین شورای امنیت در اکثر مسائل مربوط به آفریقا به‌ویژه سومالی به مسئله نقش زنان و جوانان در پیشگیری و حل اختلافات تأکید مداوم داشته است.

شورای امنیت سازمان ملل در ۹۹۳ مین اجلاسش که در ۲۲ آوریل ۲۰۲۱ برگزار شد وضعیت سومالی را به‌دقت بررسی کرد و درباره اوضاع انتخاباتی و وضع قوانین خلاف منشور اتحادیه آفریقا هشدار داد: «اقدامات ۱۲ آوریل ۲۰۲۱ توسط پارلمان سومالی که باعث تمدید دوره رئیس‌جمهور و پارلمان شد را محکوم می‌کند زیرا به‌طور مؤثری انتخابات را به تأخیر انداخته و در نتیجه وحدت و ثبات کشور، روند نوپای دموکراتیک و قانون اساسی را تضعیف می‌کند و همچنین دستاوردهای دموکراتیک سومالی در سال‌های گذشته را به مخاطره انداخته است.» (securitycouncilreport.org) شورای امنیت سازمان ملل همچنین مجدداً بر ضرورت سازش سیاسی و رایزنی‌های گسترده و همچنین بازگشت به گفتگوی شفاف و رایزنی‌های سراسری میان ذینفعان سیاسی اصرار ورزید و بدین ترتیب آمادگی اتحادیه آفریقا را برای حمایت از فرآیند گفتگو از طریق تسهیل و میانجیگری ارائه کرد. این نهاد از رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقا درخواست کرد تا نماینده ویژه در سومالی را برای همکاری، مذاکره و سازش به سومالی مأمور کند و از AMISOM درخواست کرد تا طی چهار هفته گزارشی را در این باره ارائه کند. پس از این فعالیت‌های چندجانبه شورای صلح و امنیت و شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه آفریقا بود که در داخل سومالی وضعیت بهبود یافت و اجماعی همگانی بر سر برگزاری انتخابات طی دو سال آینده به وجود آمد. با این وجود، سومالی هنوز به پشتیبانی شورای صلح و امنیت، اتحادیه آفریقا و ایگاد برای تداوم ثبات، بازسازی و توسعه پس از جنگ در سراسر کشور نیاز دارد.

نتیجه گیری

بر اساس نگاه بری بوزان هیچ کشوری به تنهایی قادر به اتکا بر خود نیست و نمی تواند امنیت را صرفاً مسئله‌های در داخل مرزهای خود تعریف کند و در مقابل نیز به دلیل ساختار آنارشیک نظام بین الملل استفاده از واحد نظام بین الملل به عنوان محور اصلی تحلیل امنیت نیز کاری بیهوده است؛ بنابراین بری بوزان سطح تحلیل را به واحد منطقه متصل می کند. بر این اساس با توجه به بررسی تهدیدات سنتی و غیر سنتی، برشمردن ائتلاف‌ها و تضادها و الگوهای دوستی/دشمنی، حضور قدرت‌های بزرگ و نوظهور در منطقه، مسئله مهم بنادر استراتژیک، هویت‌های بنیادگرا و قومگرایانه در شاخ آفریقا می توان این منطقه را به مثابه یک مجموعه امنیت منطقه‌ای به شمار آورد. نکته بسیار مهم آنجاست که نوع الگوی روابط در شاخ آفریقا الگوی دشمنی و در مواردی رقابتی بوده است اما پژوهش حاضر معتقد است که اتحادیه آفریقا برای توسعه سیاسی و ایجاد ساخت دموکراتیک در شاخ آفریقا تلاش زیادی انجام داده است تا بتواند با ابزارهایی مانند شورای صلح و امنیت منطقه‌ای، همکاری با سازمان‌ها و نهادهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای همچون سازمان ملل و ایگاد؛ الگوی روابط را از دشمنی به دوستی تغییر جهت دهد. این تلاش‌ها خود را در سطح ملی در مسئله حمایت از انتخابات دموکراتیک و مخالفت با تغییر غیر دموکراتیک قانون اساسی و ایجاد صلح از طریق مأمورین ویژه و میانجیگری و در سطح منطقه‌ای با رفع تنش میان کشورها نشان داده است. اتحادیه آفریقا به دور از شعارزدگی و تجارب تلخ شکست سازمان وحدت آفریقا در رسیدن به اهدافش توانسته است با رویکرد حداقلی به دموکراسی برای تثبیت صلح و توسعه سیاسی تلاش به سزایی انجام دهد و این رویکرد را با راهکارهایی واقعینانه از طریق ابزارها و کانالهایی همچون شورا صلح و امنیت اجرایی کند.

سؤال پژوهش آن بود که نقش اتحادیه آفریقا در صلح و ثبات در منطقه شاخ آفریقا با تأکید بر توسعه سیاسی چیست؟ با مطالعه قوانین بنیادین و فعالیت اتحادیه آفریقا در مواردی همچون سودان، سومالی و کنیا بنظر میرسد که اتحادیه آفریقا توانسته است با حل بحران‌ها، ایجاد زمینه‌های گفت‌وگو، استفاده از نمایندگان و مأموران ویژه، استفاده از مهم‌ترین ابزار خود یعنی شورای صلح و امنیت و به‌طور مثال تعلیق عضویت کشورها به‌عنوان تنبیه، ارسال نیرو به مناطق بحرانی و همکاری با سازمان ملل نقش اصلی را در تغییر الگوی روابط در سطح داخلی از الگوی دشمنی/رقابت به الگوی دوستی/همکاری ایفا کند. در حقیقت

اتحادیه آفریقا به بازیگران این اتحادیه به‌ویژه کشورهای شاخ آفریقا این تصویر را القا نموده است که به دلیل بحران فزاینده در این مجموعه امنیت منطقه‌ای اراده‌های محکم جهت تغییر الگوی روابط از دشمنی به دوستی در سطح ملی و منطقه‌ای دارد. به‌طور مثال رفتار اتحادیه با سودان و تعلیق عضویت این کشور تا زمانی که نحوه گذار از حکومت نظامیان به دولت غیرنظامی مشخص شود و یا ایجاد دو مأموریت ویژه در بحران سومالی و سودان، هشدار به کنیا و کمک به ایجاد میانجیگری در این کشور نشان‌دهنده اراده این نهاد برای تغییر الگوی روابط در این منطقه است.

اراده مستحکم اتحادیه آفریقا که برآمده از نیرویی است که منشور سازمان به آن دمیده است موجب شده که تاکنون اتحادیه آفریقا و ابزارهای مهم آن بتوانند با تهدید، تحریم، تعلیق عضویت، فشار برای برگزاری انتخابات دموکراتیک، گذار از نظامیان به غیرنظامیان توسعه سیاسی و روندهای دموکراتیک را تقویت کنند. برخورد سازمان با سودان و نظامیانی که پس از کودتا بر علیه عمر البشیر قدرت را دست داشتند و تعلیق عضویت این کشور در اتحادیه آفریقا تا مشخص شدن روند انتقال قدرت از نظامیان به غیرنظامیان نشان‌دهنده اراده قوی سازمان برای حمایت از روندهای دموکراتیک و گسترش توسعه سیاسی است. شاید مهم‌ترین تفاوت اتحادیه آفریقا با سازمان وحدت آفریقا را بتوان در دو وجه خلاصه نمود: اول وجود نهادی همچون شورای صلح و امنیت که بتواند مداخله‌گری فعال را نمایندگی کند و دوم دخالت در سطح ملی و منطقه‌ای برای تعمیق روندهای دموکراتیک و اراده برای ایجاد صلح و ثبات از طریق احترام به رأی مردم و گذار مسالمت‌آمیز. بنابراین می‌توان گفت اکنون با فعالیت‌های اتحادیه آفریقا و به‌ویژه شورای صلح و امنیت این اتحادیه، زمینه تثبیت صلح و جلوگیری از ناامنی ایجاد و الگوی روابط به سمت دوستی در حال تغییر است و در نتیجه زمینه برای حمایت از انتخابات و گذار مسالمت‌آمیز قدرت فراهم شده است. اتحادیه آفریقا با ایجاد صلح و جلوگیری و رفع خشونت زمینه تثبیت صلح را به‌عنوان بستر اصلی توسعه سیاسی فراهم کرده است و به‌تدریج در این زمینه از ابزارهای خود استفاده می‌کند که نمونه اخیر آن یعنی تعلیق عضویت سودان تا انتقال قدرت به غیرنظامیان نشان‌دهنده اراده اتحادیه برای تثبیت توسعه سیاسی است. بنابراین اتحادیه آفریقا تثبیت صلح و توسعه سیاسی را با توجه به تغییر الگوی روابط حاکم میان بازیگران در این مجموعه امنیتی پیگیری کرده و در این زمینه با وجود چالشها به موفقیت رسیده است.

منابع

- احمدی نوحدانی، سیروس (۱۳۸۶)، قوم‌شناسی سیاسی آفریقا. مرکز مطالعات آفریقا. دانشگاه تربیت مدرس. تهران: انتشارات صنم.
- بخشی، احمد (۱۳۸۲)، بازسازی جوامع دچار جنگ و جلوگیری از منازعات مرگبار، کتاب آفریقا؛ ویژه منازعات مسلحانه. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پیشگاه هادیان، حمید (۱۳۸۲)، کتاب آفریقا؛ ویژه منازعات مسلحانه. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۲)، «مناقشات منطقه شاخ آفریقا، ماهیت و ریشه‌ها»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. صص ۱۶۱-۱۳۴.
- تامسون الکس (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا. ترجمه علی گلیانی و احمد بخشی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. چاپ سوم. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- چگینی‌زاده، غلامعلی؛ هادی تاجیک و نبوی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «تاثیر تحولات سوریه بر الگوی تعاملی ایران و ترکیه؛ الگوی مفهومی و نظری»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۱۰-۶۱.
- حسینی، محمدجواد (۱۳۸۶)، «دلایل شکست دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی»، فصلنامه مطالعات آفریقا. صص ۳۰۹-۳۰۱.
- حسینی، محمدجواد (۱۳۸۷)، «بررسی بحران سومالی». فصلنامه مطالعات آفریقا. صص ۲۳۳-۱۸۱.
- خطیبی، عذرا (۱۳۷۶)، شاخ آفریقا در آینه زمان. تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر.
- کورنون، ماریان (۱۳۶۵)، تاریخ معاصر آفریقا؛ از جنگ جهانی دوم تا امروز. ترجمه ابراهیم صدقیانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مبارک، عبدالقادر (۱۳۸۶)، مخاصمات مسلحانه در آفریقا؛ نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری، خاتمه و صلح سازی. پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل. دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

مصفا، نسرين و زرگرى، هادى (۱۲۹۳)، «اسناد بين‌المللى حقوق بشرى: پذيرش و عدم اجرا در آفریقا». *مجله سياست جهانى*. دوره ۳، شماره ۲. صص ۱۰۱-۱۲۷.

مصفا، نسرين و مختارزاده، سعیده (۱۳۹۵)، «بررسى حمايت حقوقى از زنان قربانى آثار تغييرات اقليمى؛ با مطالعه اسناد منطقه‌اى آفریقا»، *فصلنامه حقوق بشر*. دوره يازدهم. شماره ۱، صص ۲۱-۴۴.

منصورى، جواد (۱۳۸۵)، *استعمار فرانو؛ نظام سلطه در قرن بيست و يکم*. تهران: انتشارات اميرکبير.

هلد ديويد (۱۳۸۴)، *مدلهای دموکراسى*. ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات روشننگران و مطالعات زنان.

- César Fernandes Cardoso, Nilton. (2016), *Regional security in the Horn of Africa: conflicts, agendas and threats*. Brazilian Journal of African Studies v.1, n.2. P.131-165.
- Desmidt, Sophie, Volker Hauck. (2017), *Conflict management under the African Peace and Security Architecture (APSA)*. (Discussion Paper 211). Maastricht: ECDPM.
- Joshua, Segun, Faith Olanrewaju. (2017), *The AU 's Progress and Achievements in the Realm of Peace and Security*. Indian Council of World Affairs Vol. 73, No. 4.
- G.R Olsen, (1991), Cooperation and Conflict. Nordic Journal of International Studies, Vol 36, No 1, P. 21.
- Siphamandla Zondi, (2017), African Union approaches to peacebuilding: Efforts at shifting the continent towards decolonial peace. African Journal on Conflict Resolution. Vol. 17 No. 1.
- T. Copp, (2019), Understaffed AFRICOM cutting hundreds more troops, Stars and Stripes. Available at: <https://www.militarytimes.com/news/your-military/2019/02/20/understaffed-africom-cutting-hundreds-more-troops/>
- White House. (2018),. *Remarks by National Security Advisor Ambassador John R. Bolton on the Trump Administration 's New Africa Strategy*. 2018 Des . 2018.
- United States Africa Command. (2019), Statement of General Thomas D. Waldhauser, United States Marine Corps Commander United States Africa Command Before the Senate Committee on Armed Services.
- Abbinck, Jon. (2020), Religion and Violence in the Horn of Africa: Trajectories of Mimetic Rivalry and Escalation between 'Political Islam' and the State. *Politics, Religion & Ideology*. 21:2, 194-215.
- African Charter on Democracy, Elections and Governance 2007*. Addis Ababa.

- African Union (AU) (2000), *Constitutive Act of the African Union adopted by the Thirty-Sixth Ordinary Session of the Assembly of Heads of State and Governmen Lomé, Togo.*
- African Union (AU) (2006), *Policy on Post-Conflict Reconstruction and Development.* adopted at the 9th Ordinary Session of the Executive Council, Banjul, The Gambia. Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/pcrd-policy-framwowork-eng.pdf>
- African Union (AU). (2004), *Solemn Declaration on Common African Defence and Security Policy.* adopted by the 2nd Extraordinary Session of the Assembly of the African Union, Sirte. Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/declaration-cadsp-en.pdf>
- African Union Declaration on the Principles Governing Democratic Elections in Africa 2002. A. AHG/ Decl., (XXXVIII)1.
- African Union (2005). *Report of the Chairperson of the African Union Commission on conflict situations in Africa.* Executive Council, Seventh Ordinary Session. Sirte, Libya. EX.CL/191 (VII).
- All Africa (2010), New Policy to Tackle Disaster Risk in Ethiopia. *All Africa.* Available at: <http://allafrica.com/view/group/main/main/id/00011809.html>
- Anderson, D. & J. McKnight. (2015). Kenya at war: Al-Shabaab and its enemies in Eastern Africa. *African Affairs*, 114 (454): 1–27. Available at: <https://academic.oup.com/afraf/articlelookup/doi/10.1093/afraf/adu082>
- China. (2018), D. Axe,s naval furure: 6 aircraft carriers? National Interest. Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/chinas-naval-future-6-aircraft-carriers-۳۸۰۸۷>
- Ayoob, Mohammed. (1995), *the Third World Security Predicament: State Making Regional Conflict and the International System;* Boulder: Lynne Rienner.
- Beichelt, T. (2012), *The research field of democracy promotion.* Living Reviews in Democracy. Available at: <https://www.lrd.ethz.ch/index.php/lrd/article/view/27/40>
- Börzel, T. A. and Risse, T. (2012), From Europeanisation to diffusion: Introduction. *West European Politics.* 35/1. pp. 1–19
- Burke, J. (2017), Al-Shabaab militants ban starving Somalis from accessing aid. *The Guardian.* Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/jul/27/al-shabaab-militants-ban-starving-somalisfrom-accessing-aid>
- Buzan, Barry. (1991), *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era.* London: Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, Barry; WÆver, Ole; and Wilder, Jaap. (1998), *Security: A new framework for analysis.* Boulder: Lynne Rienner.



- Cafiero, Giorgio. (2019), Sudan's Suspension From The African Union. available at: <https://lobelog.com/sudans-suspension-from-the-african-union/>
- Commission of the African Union, African Youth Charte. (2006a), Available at: <http://www.africa-youth.org/charter>
- Commission of the African Union, Policy on Post-Conflict Reconstruction and Developmet (2006b), Available at: <http://www.peaceau.org/uploads/pcrd-policy-framwowork-eng.pdf>
- Cooper, Z. (2018), Security implications of China's military presence in the Indian Ocean. CSIS Briefs. Available at: <https://www.csis.org/analysis/security-implications-chinas-military-presence-indian-ocean>
- Hamid, Ebrahim. (2019). AU lifts Sudan suspension after Khartoum announces cabinet. available at: <https://www.rfi.fr/en/africa/20190907-sudan-african-union-lifts-suspension-khartoum-new-cabinet-bashir>
- Simon, Horner Somalia: (1997), *Can the Jigsaw be pieced Together*. Commission of the European Communities in Brusseele. No 46. PP, 162.
- Kanyinga, Karuti and Long, James D. (2012), The Political Economy of Reforms in Kenya: The Post-2007 Election Violence and a New Constitution. *African Studies Review*. 55/1. pp. 31–51.
- Laibuta, Mugambi. (2014), The African Union and Kenya's. *International Institute for Democracy and Electoral Assistance*. SWEDEN.
- Lawson, F. H. (2017), GCC policies toward the Red Sea, the Horn of Africa and Yemen: Ally–Adversary dilemmas. *Gulf Affairs*. p. 6–7.
- Mengisteab, K. (2014), *The Horn of Africa*. Cambridge, UK: Polity Press.
- Olsen, G.R. (1991), Cooperation and Conflict. *Nordic Journal of International Studies*, Vol 36, No 1, P.21.
- Organisation of African Unity (OAU) (1990), *Declaration on the Political and Socio-Economic Situation in Africa and the Changes Taking Place in the World*. Addis Ababa, Ethiopia.
- Organisation of African Unity (OAU) (2000), *Lomé Declaration of July 2000 on the Framework for an OAU Response to Unconstitutional Changes of Government*. AHG/Decl. 5 XXXVI, 10-12 July 2000. Available at: http://www2.ohchr.org/english/law/compilation_democracy/lomedec.htm
- Organisation of African Unity (OAU). (1999), *Algiers Declaration, Thirty-Fifth Ordinary Session of OAU*. AHG/Decl. 1 (XXXV). Available at: http://www.au2002.gov.za/docs/summit_council/algiers.pdf
- Organisation of African Unity (OAU). (1995), *Relaunching Africa's Economic and Social Development: The Cairo Agenda for Action*,

- AHG/Res. 236 (Xxxi), adopted by the Council of Ministers of the OAT at its 17th extraordinary session, Cairo, 25–28 March 1995
- Osborn, K. (2018), Aircraft carriers, stealth fighters and lots of missiles: China's military has arrived. *National Interest*. available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/aircraft-carriers-stealth-fighters-and-lots-missiles-chinas-military-has-arrived-29892>
- Park, J. and Ahmad, A. (2018), Risky business: South Korea's secret military deal with UAE. *The Diplomat*. available at: <https://thediplomat.com/2018/03/risky-business-south-koreas-secret-military-deal-with-uae/>
- Pilling, D. (2018), Everyone wants a piece of the Horn of Africa's ports. *OZY*. available at: <https://www.ozy.com/around-the-world/everyone-wants-a-piece-of-the-horn-of-africas-ports/90536/>
- Protocol Relating to the Establishment of the Peace and Security Council of the African Union 2002 b*, adopted by the 1st Ordinary Session of the Assembly of the African Union, Durban.
- Rupiya, Martin. (2008), interrelated Security Challenges of Kenya and Uganda in Eastern and Horn of Africa. available at: <https://interafrika-group.org/wp-content/uploads/pdf/peace-and-securityfinal.pdf>
- Schimmelfennig, F. (2009), Europeanization beyond Europe. *Living Reviews in European Governance*. 4/3. pp. 1–22.
- Tesfatsion Medhanie. (1995), *Eritrea & Neighbours in The "New World Order": Geopolitics, Democracy And "Islamic Fundamentalism"*. Münster: Lit Verlag.
- UNDP and AU. (2019), Conflict Prevention and Early Warning Division workshop, Addis Ababa.
- UNDP and UNECA. (2013), *Elections and the Management of Diversity, African Governance Report III*. Oxford: Oxford University Press .
- US Department of Defense. (2018). *Assessment on US defense implication of China 's expanding global*.
- USAID. (2014), *Climate Change and Conflict: Findings and Lessons Learned From Five Case Studies in Seven Countries, ARD Tech Tetra*. Washington.
- Van den Berg, W. and Meester, J. (2018), Ports & power: The securitisation of port politics, Maritime Insecurity Dilemmas amidst a New Scramble for the Horn? Life & Peace Institute, Horn of Africa Bulletin, vol. 30. no. 2. pp. 13–19.
- Walsh, Declan. (2019), The Fall of Omar Hassan al-Bashir, the 'Spider' at the Heart of Sudan's Web. available at: <https://www.nytimes.com/2019/04/11/world/africa/omar-bashir-sudan.html>



Wasara, Samson. (2002), Conflict and State Security in the Horn of Africa: Militarization of Civilian Groups. African Journal of Political Science, vol.7 no.2.

۲۹۱

سیاست جهانی

نقد اتحادیه آفریقا در صلح و ثبات در منطقه شاخ آفریقا با تأکید بر توسعه سیاسی